



# مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه شنبه (۱۱) دیماه ۱۳۵۲

فهرست مطالب :

- ۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .
- ۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون
- ۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس ساعت ۴ بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مطرح است جناب آقای فضائلی تشریف بیاورید .

**فضائلی** - بنده در عرایض نوبت صبح ، در باب بهبود روش های آداری اشاره کرده ومی خواستم که راجع باین موضوع توضیحی بعرض نمایندگان محترم برسانم .

در مورد انقلاب آداری عملا اینطور تلقی شده است که دستگآه مسئول مستقیم اجراء انقلاب آداری شورای عالی استخدام کشوری است چنانکه در دوره قبل در درباره پیشرفت انقلاب آداری از دولت سؤال کردم جهت پاسخگوئی وزیر مشاور و رئیس شورای عالی استخدام در آن تاریخ جواب سؤال را در مجلس داد . در رظائف شورای عالی استخدام صرف نظر از اجراء قانون جدید استخدام کشوری آموزش و بهبود روش ها نیز هست و اگر این سه اصل همراه بادیگر اصول اساسی که رهبر خردمند مملکت در موارد متعدد ارشاد فرموده اند بایک روش انقلابی آنطور که منظور نظر مبارک است اجرا شود دلیلی ندارد که ما در مورد انقلاب آداری نیز همان پیشرفتی را حاصل نکنیم که در موارد دیگر بدست آورده ایم .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .  
رئیس- اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .  
(شرح زیر قرائت شد)

**غائبین با اجازه - آقایان :**

احتشامی - مهندس اسدی لنگرودی - اسعد رزم آرا  
مهندس پروشانی - جعفری - چنگیزی - دکتر خطیبی -  
ذوالفقاری - زرین پور - ساگییان - دکتر سعید - دکتر  
عظیمی - دکترمیتین - موقر - خانم ابراهیمی - خانم طالقانی  
خانم اقبال .

**غائبین مریض - آقایان :**

بوشهری - دکتریحیی بهبهانی - توسلی - جوانشیر  
دکتر سعید حکمت - امیر علم خزیمه - رشیدی - ریگی -  
مهندس عباس زاهدی - بدر صالحیان - دکتر شریف امامی  
مهندس عطائی - فرهادپور - کمالوند - مافی - مهرزاد  
دکتر وفا - دکتر مشایخی - نیک پور - خانم مزارعی - خانم  
ضرابی .

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون  
بودجه راجع به لایحه بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و  
بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور .

رئیس- وارد دستور می شویم کلیات لایحه بودجه

در کار کرد شورای عالی استخدام سه دوره با ویژگی های خاص و در عین حال خصوصیات مشترک قابل تشخیص است که این سه دوره منطبق است با دوره فعالیت هر يك از اولیاء این شوری در دوره اول گویا احساس شورای عالی استخدام این بود، چه بعثت نوبائی خود و چه بعثت نقائص قانونی قدرت کافی برای اجراء همه جانبه وظائف خود ندارد بهمین جهت سنگینی کفه را با اجراء قانون جدید استخدام کشوری داد و مسئله آموزش و بهبود روشهای اداری را بتعویق و مدارا و احياناً بسکوت برگذار کرد در این دوره معتقد شدند که در جریان اجراء قانون استخدام کشوری شورای استخدام اختیارات و قدرتهائی را تحصیل خواهد کرد که آنگاه توصیه های او در مورد اصلاح روشها و همچنین آموزش جدی تلقی شده و در چاه بی انتهای بایگانی هامدفون نخواهد شد. در دوره دوم همین طرز تفکر باقی بود منتهی احساس تفویض مسئولیت و اختیار بزرگستان مورد قبول مسئول شوری واقع شد ولی این اصل با این شرط صحیح است که توأم با کنترل بمنظور ایجاد هم آهنگی در تصمیمات باشد چندی نگذشت که هر دستگاه يك ساز می نواخت ولی این سازها هم آهنگ نبودند و موجبات سرگردانی در دستگاههای استخدامی ممکن بود فراهم گردد دوره سوم نیز همان درك مشترك را دارد یعنی هنوز معتقد است که سنگینی کفه کار را با اجراء قانون استخدام بدهد و ویژگی خاص این دوره وابستگی بیشتر شورای عالی با دولت است. ما باید این مسئله را قبول کنیم که دولت سیاست روز توجه بیشتری معطوف میدارد این لازمه کار دولتهاست ولی رفورم اداری و همچنین انقلاب اداری مسئله ایست برای همیشه اعم از حال و آینده و باید از حیثه تأثیر سیاستها و رویدادهای روزانه بیرون باشد.

خوشبختانه سازمان استخدامی کشور يك سازمان خوب و شایسته است و شاید بتوان گفت از امتیازات ویژه نسبت بدیگر سازمانهای موجود برخوردار است از آنجمله ۸۰٪ از اعضاء این سازمان تحصیلاتی از درجه لیسانس بیالا دارند و تصور نمیکنم در هیچ سازمان کشوری دیگری به نسبت اینهمه افراد تحصیل کرده وجود داشته باشد بعد از چند سال که از کار این سازمان میگذرد این افراد

صاحب بصیرت و اطلاعات و تجربه کافی در کار خود شده اند و شاید از آنجهت که در عمل با فرد سرو کار کمتر دارند پاندارند نظرات آنان عام و متکی باصول و مطالعات است در واقع محیط سالمی دور از هرگونه شائبه غرض در این سازمان ایجاد شده است که بدون شك خصوصیات ذاتی هر سه رئیس سازمان و اعضاء شورای عالی در ایجاد چنین محیط سالمی بی تأثیر نبوده است.

تجربه جوامع دیگر در زمینه دگرگونی و اصلاح سیستم اداری نشان میدهد که اولاً باید در این دستگاه بخصوص در رهبر و رئیس این سازمان تغییر جز بحکم ضرورت پیش نیاید.

در امریکا رئیس سازمان مشابه که توفیق ایجاد رفورم حاصل کرد بیش از سی سال بر سر اینکار بود در آنجا باز نشسته شد. و باز بعنوان مشاور به پیشرفت دستگاه کمک میکرد. در کشور ما هم در آن مدت که قانون استخدام پیشین حکومت میکرد و کار نظم و نسقی داشت سالهای متوالی رئیس اداره تفاعد که قسمتی از وظائف مشابه شورای عالی استخدام با آن اداره بود کمتر تغییر میکرد و بخوبی در خاطر ما هست که در آن ایام استخدام کشوری توأزی بیشتری داشت منتهی با گذشتن چند تصویب نامه که بیشتر تابع سیاست روز بوده برای اصلاح اساسی کار بعداً مشکلاتی بیار آورد که هنوز آثار آن باقی است و تا پایان اجراء مراحل قانون استخدام کشوری ریشه پاره ای از ناهم آهنگی ها و ناهمواری ها از همان ایام است.

بهر حال ثبوت این دستگاه و عوامل مؤثر آن از لوازم کار است. با اعتقاد من کسی که چنین کاری را بر عهده میگیرد حق ندارد بعنوان اینکه خسته شده است از انجام این برنامه سر باز زند یا عذر بخواد یا عذر او پذیرفته شود خستگی را بایکماه استراحت و مرخصی در سال میتوان رفع نمود ولی يك کار لازم و مداوم را با این بهانه ها نباید قطع و یا متزلزل ساخت تجربه دومی که در کشورهای دیگر در چنین کاری بدست آمده است این است این سازمان که در واقع مأمور اصلاح روشهای اداری و امور استخدامی است باید بعد لازم و کافی نه بیشتر و نه کمتر در کار خود استقلال داشته باشد تا از تأثیر دولتها و سیاستهای روز

برکنار بماند. مثالی که در بالا گفته شد شاید بهترین باشد که یکی دو تصویب نامه با وجود اینکه با حسن نیت و بمنظور تأمین رفاه کارمندان - تنظیم شده بود اما چون با مطالعات کافی و فنی انجام نیافته بود منتهی با خطر مقتضیات سیاست روز در حل مشکلات آتی بود آنچنان در وضع امور استخدامی تأثیر گذاشت و مشکلاتی بعدها روز افزون و فزاینده بار آورد که حقیقتاً دولتهای بعدی و همچنین دستگاه اداری مملکت را بستوه آورد.

بهمین جهت در غالب کشورهایائی که بچنین امری دست زده اند سازمان همتای سازمان استخدام کشوری بعضی وابسته بقوه مقننه و بعضی وابسته بقوه قضائیه و گاهی وابسته برهبری مملکت بود حتی اخیراً در بعضی ممالک این اندیشه پیش آمده است که دستگاه اداری ممالک جزء قوه مجریه نباید باشد بلکه قوه منفک دیگری است که باید دستورات و نظرات قوه مجریه را طبق قانون اجرا کند و در واقع جامعه دارای چهار قوه منفک و مجزی از یکدیگر باشد که یکی از آن قوه دستگاه اداری مملکت است.

از همه این تجربه ها و اندیشه ها میتوان این واقعیت را قبول کرد که سازمان استخدامی کشور که عهده دار تنظیم امور استخدامی و آموزش و بهبود روشهای اداریست باید کمتر وابسته و تابع جریانات زودگذر و تغییر پذیر روز باشد - این دستگاه باید استوار و محکم و متین در راه ایجاد انقلاب اداری پیش برود و وسیله مجزی برای انجام خدمت بمردم و بسایر قوا باشد.

من معتقد هستم همین يك عیب کلی که در دستگاه اداری ما وجود دارد که مهره ها بر سر جای خود نیستند بدون شك بیشتر زاید تأثیر دولتها بر روی دستگاه اداری است. من فعلاً آماری در دست ندارم که نشان دهد چند درصد از تحصیل کردگان در غیر رشته تحصیلی و تخصصی خود خدمت میکنند اما این ارقام تا اندازه ای وضع را روشن میسازد ساختمان اجتماعی اقتصادی زندگی شهری و روستائی هر يك بافت ویژه ای از تخصصها را ایجاب میکند مثلاً انتظار میرود که اکثریت قاطع متخصصان کشاورزی در روستا باشند ولی آمار نشان میدهد که ۷۵٪ متخصصان کشاورزی در شهرها در پشت میزهای اداری نشسته اند. معنی اینکار چیست؟ غیر از بهدر دادن

سرمایه ای که جهت تحصیل این متخصصان بکار رفته جز بر عمر و استعداد بهدر رفته آنان اشارت دیگری دارد.

همچنین در مورد بعضی رشته ها نباید فرقی میان شهر و روستا باشد از جمله رشته پزشکی با وجودیکه جمعیت روستا ۶۰ درصد کل جمعیت است تعداد پزشکان شهرها ۹۶ درصد و تعداد پزشکان روستا ۴ درصد است ولی این نسبت در استان تهران بصورت ۹۸ درصد پزشکان شهر نشین فقط ۲ درصد پزشکان روستا نشین تغییر میکند. آقای پروفوسور پویان شما پروفوسور اگر ژنه هستید شما انترنای پاریس را با موفقیت گذرانده اید شما خود را همتای علمی شخصیتی دانشمند چون پروفوسور عدل میدانید و ما هم قبول داریم اما وقتی میتوانید وزیر بهداشتی شایسته ای باشید که در تغییر کلی نسبت تأساف آور پزشکان شهر و ده تأثیر بگذارید ولی وزرای قبل از شما نه فقط در این دولت بلکه همه دولتها که نتوانسته اند کاری در این زمینه صورت دهند و این ارقام گواه این مدعاست بخاطر میآورم در يك مهمانی یکی از مدیران وزارت امور خارجه در چند سال قبل از يك سفیر کشور اروپائی بطور خصوصی سؤال میکرد که شما قبلاً بورسهای در اختیار محصلین ایران میگذاشتید که در پاره ای مسائل کشاورزی و غیره در کشور شما تحصیل کنند و دوره ای ببینند و چند سال است که بورسی در اختیار نگذاشته اید در صورتیکه اطلاع دارم بممالک دیگر هنوز اینگونه بورسها را میدهند. آن سفیر جواب داد علت آنست دستگاه مربوط معمولاً چه وسیله سفارت و چه وسیله خود بورسیه ها سعی میکنند مطلع شود که چه اثری این تحصیلات در بهبود کارهای مربوط بهمین رشته در کشور بورس گیرنده گذاشته است متأسفانه با کمال تعجب اطلاعات آن دستگاه این است که در کشور شما افرادی که بخاطر دیدن دوره ای در يك رشته خاص بورس گرفته و تحصیلاتی کرده اند پس از بازگشت بکاری در رشته دیگر پرداخته اند ما بخود اجازه ندادیم که دلیل آن را استفسار کنیم ولی فکر میکنم ادامه اینکار نه برای مقصد ما که کمک و همکاری فنی و عامی است و نه برای شما سودی ندارد و بهمین جهت این بورسها را در اختیار بعضی کشورهایائی که تقاضا داشتند و از بورس استفاده میکردند گذاشتیم.

بهر حال اگر سیستم اداری کشور معرض يك انقلاب اصیل آنچنانکه رهبر يك اندیش کشور خواهان آنند واقع شود و رفورم و اصلاح همه جانبه در ارکان آن ایجاد نگردد نه تنها از مشکلاتی که هم اکنون دولت و مردم دچار آن هستند رهایی نخواهند یافت مشکلات فزاینده ای نیز در آینده گریبانگیر ما خواهد شد.

روشنترین مثالی که در ذهن من هست مسئله ازدیاد جمعیت و لزوم کنترل آن است.

اهمیت کنترل جمعیت بعدی است که ازدیاد مهار گسیخته جمعیت را امروز بزرگترین و مخاطره انگیزترین مشکلات انسانها میدانند دولت ایران نیز از سال ۴۶ کنترل جمعیت و تنظیم خانواده را در برنامه های اساسی خود قرارداد و هر سال برای اجراء این برنامه اعتباراتی را منظور کرده و میکند.

شاید جاداشته باشد که برای یادآوری اهمیت موضوع چه از نظر جهانی و چه از نظر وضع خاص کشور ما باین ارقام و اطلاعات توجه کنیم.

متخصصان معتقدند که تا سال ۱۸۰۰ یعنی یکصد و هفتاد و اندی سال پیش جمعیت دنیا ثابت بود. در سال ۱۸۳۰ جمعیت دنیا بیک میلیارد رسید. و درست پس از صد سال دیگر یعنی در سال ۱۹۳۰ چهل و چند سال پیش يك میلیارد در جمعیت جهانی افزوده شد و جمعیت دنیا به دو میلیارد رسید. اما برای آنکه جمعیت جهان سه میلیارد برسد این فاصله زمانی صدساله بسی سهل تقلیل یافت یعنی در سال ۱۹۶۰ جمعیت جهان سه میلیارد رسید و این بار ۱۵ ساله یعنی در سال ۱۹۷۵ جمعیت جهان به چهار میلیارد خواهد رسید یعنی در این یکصد و چهل و پنج سال اخیر سرعت از صدسال به سی سال و از سی سال به ۱۵ سال رسید و اگر نرخ ازدیاد جمعیت بر همین روال فعلی باشد در سال دوهزار، جمعیت جهان بقریب ۷ میلیارد خواهد رسید. جهان از سالهای پیش مواجه باین سؤال شده که آیا کره زمین تا چه میزان جمعیت را تحمل خواهد کرد این غول جمعیت و سرعت افزایش آن يك مشکل جهانی است ولی برای ممالکی مانند ایران از دیدگاه دیگر نیز مشکلاتی رعب آزر دارد.

ملاحظه بفرمائید کشورهای اروپای غربی، امریکا

ژاپن غول جمعیت را مهار کرده اند یعنی در اینکار چنان پیشرفت کرده اند که از بابت ازدیاد جمعیت در میان خود مشکلی ندارند. ولی این مشکل برای سایر ممالک بصورتی خطرناک در آمده است در اینگونه ممالک و از جمله کشور ما همه برنامه هائی را که جهت توسعه اقتصادی خود در نظر میگیرند در خطر بلعیده شدن وسیله غول جمعیت است باین معنی که حواج ناشی از اضافه جمعیت بآنها مهلت نمیدهد که اعتبارات و دست آوردهای خود را صرف توسعه اقتصادی و پیشرفت کنند.

فقر در اینگونه ممالک روز بروز ریشه دارتر میشود. در مملکت ما بطور متوسط بکفران آور ۷ نفر است و معلوم است که دسترنج بکتن نمیتواند بهفت نفر غذای کافی پوشاک لازم بهداشت و فرهنگ در خور و دیگر حواج و لوازم زندگی را بدهد پیوسته این خانواده ها فقیرتر بی دانش تر بی مهارت تر میشوند - خصوصیت دیگر چنین جوامعی این است که جوان هستند یعنی از طرفی قدرت باروری زنها زیادت و از طرف دیگر فی المثل در ایران نیمی زیر ۱۸ سال یعنی غیر فعال هستند و پیران نیز بر این جمعیت غیر فعال افزوده میشوند - مدارس کشور بحد اشباع رسیده و دچار کمبود معلم هستیم امروز میشوند که مدارس ابتدائی را سه شیفته و متوسطه را دو شیفته کرده اند ابتدائاً تهران و سپس در شهرستانها چنین پیش آمد بعد چه خواهند کرد. هنوز برای همه اطفال لازم التعليم مدرسه و وسائل کافی و وسائل درمان نداریم هنوز این مشکل راحل نکرده مواجه با گروه دیگری میشویم که بر گروه محروم از آموزش و بهداشت و کار و دیگر ضروریات زندگی افزوده میشوند بدیهی است کسی نمیخواهد ماهم اکنون ازدیاد جمعیت را متوقف کنیم نه میتوانیم نه لازم است ولی با ترقی فعلی جمعیت تا ۲۱ سال دیگر جمعیت ما دو برابر خواهد شد آیا میتوان تصور کرد که در طی ۲۱ سال ما بتوانیم تمام کمبودهای فعلی را جبران کنیم و هم برای جمعیتی معادل جمعیت فعلی کشور ایران بنیاد یک زندگانی پیشرفته را بریزیم و آنچنانکه آرزوی شاهنشاه و ملت ایران است بتمدن بزرگ برسیم و بقول جناب آقای نخست وزیر یکی از پنج کشور جهان فردا باشیم.

مگر آنکه سیاست ما آنطور باشد که دو برابر شدن جمعیت را از ۲۱ سال تا ۴۰ سال بایشتر عقب بیندازیم تا بتوانیم بدون وقفه برنامه های پیشرفت و توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی خودمان را با آهنگی سریع بانجام برسانیم (حی - در برنامه هست) بلی من که نگفتم نیست شما بدفاتر نگاه کنید آقای حی وقتی شما شروع کردید رشدنسان ۲/۴ بود و الآن ۳/۲ است البته رشد جمعیت را ۲ عامل معلوم میکند یکی زاد و ولد و یکی مرگ و میر و مرگ و میر را از زاد و ولد کم کنید رشد جمعیت پیدا میشود البته وزارت بهداشتی در کار بهداشت و بهداری پیشرفت کرده ولی نتوانسته است جلوی زاد و ولد های ناخواسته را بگیرد تصور میکنم همین مطالب کافی باشد که اهمیت فوق العاده کنترل جمعیت که تنظیم ابعاد خانواده جزئی از آن است در ذهن ما مجسم گردد.

در يك يادوسال قبل شاید از طرف هم مسلکان ما در مجلس این عبارت گفته شد که دولت در برنامه مبارزه با افزایش بیقاعده جمعیت شکست خورده است جناب آقای نخست وزیر هم بآن مهارت فوق العاده که در نطق های جوابیه دارند بدون درگیر شدن با اصل موضوع چنان ریزه کاری و ظرافت بخرج میدهند که واقعا یکی از هنرهای خاص ایشان در سخنوری است ایشان فرمودند این درست نیست که بگوئیم دولت در سیاست کنترل جمعیت شکست خورده است این سپاهیان دانش و بهداشت این جوانان را که شب و روز در قراء و قصبیات مشغول تلاش در اجراء برنامه تنظیم خانواده هستند نباید باین مطالب مأیوس و دلسرد ساخت.

بنده هم این عقیده را دارم که نمیتوان گفت دولت در سیاست کنترل جمعیت شکست خورده است زیرا اطلاق کلمه شکست وقتی است که ما از مبارزه دست برداشته باشیم در صورتیکه باشدتی روز افزون بمبارزه پرداخته ایم صرف اعتبار میکنیم و چنانکه جناب آقای نخست وزیر فرمودند حتی عده از سپاهیان انقلاب نیز طبق برنامه ای که برای آنان تنظیم کرده اند در این مبارزه شرکت دارند.

مبارزه با افزایش بیقاعده جمعیت نیز چیزی نیست از قبیل کارهای تولیدی و عمرانی که بتوان حاصل آن را

بصورت ایجاد يك کارخانه عظیم یا سد بزرگ و ساختمان آسمان خراش بچشم کشید نتیجه این تلاش هار فقط آمار تحقیقی که مورد تأیید محافل فنی دنیائی قرار گیرد معلوم میدارد. اکنون بنگریم نتیجه تلاشها و صرف اعتبار در این زمینه چه بوده است.

در سالی که برای اولین بار تنظیم خانواده و کنترل جمعیت در برنامه دولت قرار گرفت طبق دفتر برنامه چهارم برای برنامه ریزی رشد جمعیت ایران ۲/۴ و طی برنامه چهارم به ۲/۸ رسید و اینک رشد جمعیت ما به ۳/۲ رسیده است تأسف آور اینست که باید بعرض برسانم که طبق نشریه سازمان ملل متحد مادر بالاترین رشد جهانی هستیم این اضافه رشد فعلی نه فقط ناشی از اضافه زاد و ولد است بلکه قسمتی از آن نتیجه پیشرفت بهداشت بهداشت و درمان است زیرا رشد جمعیت را تفاضل مرگ و میر از زاد و ولد تعیین میکند. اگر مرگ و میر کمتر شود در رشد جمعیت بیشتر نشان داده میشود. منتها قسمت دیگر از آنجا ناشی است که اولاً کوششهای ما در تنظیم ابعاد خانواده همراه با برنامه صحیح و کامل نبوده و در نتیجه بی اثر بوده است ثانیاً چون جمعیت جوان است و گروهی که در سن باروری هستند رو بفرزونی در نتیجه هم زاد و ولد متأسفانه زیادتر شده و هم پیشرفت بهداشت خوشبختانه بیشتر و حاصل آن یعنی رشد جمعیت حالت انفجاری گرفت بطوریکه کلیه برنامه های اجتماعی و اقتصادی ما را زیر تأثیر خود قرار داد در يك جامعه کارگری که مورد مطالعه قرار گرفت ۱/۳ تقریباً از روشهای جلوگیری استفاده میکردند و مابقی با اطلاع نداشتند و ترس از استفاده داشتند یا در دسترسشان نبود.

وقتی توجه نشود که جامعه کارگر که يك جامعه مشکل و در دسترس است و با اصطلاح برای آموزش مستعینی در اختیار و در آستین هستند ۶۶/۰ شان خود با همسرشان بی اطلاع با آموزش غلط یافته اند چه انتظاری داریم در روستا که ۶۰ درصد جمعیت را در حال پراکندگی در برگرفته است و همچنین در جوامع شهری که اجتماعی شبیه با اجتماع کارگران ندارند فعالیت این دستگاه اداری آن اثر را بدهد که امر مبارك شاهنشاه رهبر خردمند مملکت را بخصوص در تخت جمشید که فرمودند در شد

جمعیت به يك درصد برسد - بتواند و قادر باشد عمل کند .

متأسفانه این دستگاه اداری هنوز نتوانسته است لاقلاً اطباء مملکت و ماماها را معتمد مؤمن باصالت و صحت و لزوم و ضرورت اجراء این برنامه از نظر مملکت بکند .

صحیح نیست که تصور کنیم فی المثل وزارت بهداشتی به تنهایی از عهده چنین برنامه عظیم که تمام افراد مملکت و همه خانواده‌ها در آن سهیم هستند بر آید - البته وزارت بهداشتی عهده‌دار قسمت فنی و تهیه دارو و وسائل باید باشد که قطعاً در اینکار فعالیت کرده است .

این برنامه در درجه اول احتیاج بآموزش و مؤمن ساختن افراد و عادت دادن آنان و بی‌گیری و مداومت دارد در این برنامه اهتمام دستگاه آموزش کشور اثری قاطع و اساسی دارد . متخصصان معتمد هستند اگر ظرف سی سال دولت سرمایه‌گذاری کند افراد مملکت در کلیه سطوح سنی و آموزشی و مدارس در زیر پوشش آموزش صحیح از نظر تنظیم ابعاد خانواده قرار گیرند دیگر نسل‌های بعدی بوسیله مادران و پدران آموزش خواهند دید و دولت در اینکار محتاج هیچگونه سرمایه‌گذاری جدیدی نیست .

وزارت تعاون و روستا در سطح روستا، وزارت کار در محیط کارگری، وزارت اطلاعات و انتشارات - وزارت دادگستری تمام منابع فکری و تبلیغی از قبیل مطبوعات و غیره - وزارت کشور با سطح گسترده‌ای که دارد و وزارت جنگ از نظر افراد نظامی - اطاق اصناف و دیگر مجامع ملی و روحانی و غیره در این راه باید بکمک گرفته شوند و بیاری بنمایند .

اگر ما بخواهیم دائم از خودمان تعریف کنیم و در واقع خود را غافل سازیم که چنین کردیم و چنان، غول جمعیت همچنان و بدون وقفه بزرگتر و نزدیکتر، میشود آنگاه باید شاهد آن باشیم که این همه زحمات و جدیتها و خدمتها که برهبری شاهنشاه و با فعالیت دولتها و کوششهای مردم انجام گرفته و رشدی چنین متوازن و درخشان در در آمد و اقتصاد ما حاصل گردیده زیر لگدمای این دیومهیب که پایش در بند نیست نابود گردد. اصولاً باید دانست که برنامه تنظیم ابعاد خانواده جزئی از برنامه کنترل

جمعیت است نه همه آن همچنین بغیر از آموزش عمومی که مهمترین قسمت برنامه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت است مسائل دیگری در این برنامه وجود دارد که همه برنامه‌های مترقی است از جمله مسئله رعایت اصل برابری حقوق زنان بامردان تاجامعه زن بخاطر احساس عدم استقلال بدنیا بل بچه زیاد نباشد تأمین نیازمندیهای کودکان و حمایت از آنان زیرا احتمال مرگ و میر و یا علیل شدن بچه‌ها پدران و مادران را باز دیاد اولاد و امیدارد که شاید چندتن از آنان بمانند و سالم و برومند شوند. خانه‌سازی و توجه بمسئله مسکن بخصوص اگر این خانه‌سازیها برای يك خانواده استاندارد و ابعاد دلخواه و شایسته باشد. ساختمان بیمارستان و درمانگاه‌های عمومی که از ترس بیمار شدن و بی‌کس ماندن بفرک از دیاد بچه نباشند و بالاتر از همه ایجاد تأمین برای پیران و از کار افتادگان که انگیزه اکثر پدران و مادران ترس از تنهایی در پیری است در چین بچوانان امروز اقا میکنند که در پیری متکی بدولت باشید نه بخانواده خود .

بخصوص که بیمه پیری و ناتوانی بحکایت فردوسی از اندیشه‌ها و از برنامه‌های شاهنشاهان ایران زمین بوده است .

همه میدانیم که فردوسی در پایان هر قسمت تأکید کرده است که من این داستانهارا از خود نساخته‌ام اینها همه از داستانهای پهلوانی و شاهنشاهی بوده و هنر فردوسی دوباره زنده کردن است بصورتی که از یاد و باران نیاید گزند . بحکایت فردوسی هنگامی که کیکاوود سلطنت رسید و بتخت شاهنشاهی جلوس کرد در اعلامیه جلوس ۲ مسئله مهم را اعلام کرده یکی داد و عدل یکی بیمه پیران و از کار افتادگان جریان اینست که تورانیان بایران حمله کردند و پیشرفت کردند پادشاه از دست رفت بزرگان کشور جلسه کردند و یکی از افراد خاندان کیان که کیکاوود بود او را پادشاهی برگزیدند و رستم را بالبرز کوه فرستادند تا بکیکاوود مراتب را اعلام کند و کیکاوود بشکر بیان به پیوست و جنگ را ادامه داد و ۱۰ سال جنگ کرد و تورانیان را تار و مار ساخت بعد از ۱۰ سال بسمت تخت جمشید رفت و در آنجا تاج گذاری کرد .

نشتنگه آنگه به استخر بود

کیان را بدان جایگه فخر بود

جهانی نهادند روسوی اوی

که او بود سالار دهبیم جوی

به تخت کیان اندر آورد پای

به فر و به آئین فرخنده رای

چنین گفت بانامور بخردان

که گیتی مرشد کران تا کران

همه پادشاهان مرا لشکرند

سپاهی و شهری مرا یکسرند

همه در پناه جهاندار بید

خردمند بید و بی آزار بید

ز گیتی نخواهم بجز راستی

که خشم خدا آورد کاستی

اگر پیل بر پشه کین آورد

همی رخته در داد و دین آورد

تن آسائی از داد رنج من است

کجا آب و خاک است گنج من است

واما در مورد بیمه اشخاص پیر اینطور میگوید:

هر آنکس که دارد خورد و دهد

وز آن خورد بر من سپاس آورد

ور آن کس کجا بازماند ز خورد

نیابد همی توشه از کار کرد

چرا گاهشان بارگاه من است

هر آنکس که اندر پناه من است (احسنت)

در فرمانهای چهارگانه اخیر شاهنشاه آریامهر

بمسئله الغاء رسم توصیه و توصیه بازی عنایتی خاص

شده است .

در بررسی کیفیت اجراء دقیق امر مبارک باید

بصورت تحلیلی این اطلاع را بدست آوریم که مرکز توصیه

و حمایت‌های بیجا کجاست .

مدینه‌هاست که بر اثر انقلاب شاه و ملت کانونهای

توصیه که غالباً در انتصابات و احراز مشاغل و سایر

قسمتهای اقتصادی اعمال نفوذ می‌کردند از هم پاشیده

شده است - اما بنظر بنده احزاب نیز باید دقت کنند که

تبدیل يك وسیله توصیه گر برای کارمندان دولت در نیابند

اساساً کارمندی که تصور کند ورود و فعالیت در حزب رابطه‌ای باترقی و پیشرفت او در کار اداری دارد آن کارمند نه فرد حزبی خوبی است و نه يك کارمند اداری خوب ترقی و پیشرفت در ادارات باید صرفاً مرتبط بنوع خدمت در اداره باشد و در اختیار ضوابط آن اداره و طبق نظر مستقل قانونی مدیران همان اداره بدون تأثیر پذیری از هیچ منبع غیر اداری حتی حزبی .

هجوم کارمندان دولت بحزب حاکم چه در دوره فعالیت حزب ملیون آنوقت که دولت از حزب ملیون بود و چه بحزب ایران نوین که دولت از این حزب است غالباً این انگیزه را داشته و دارد که از نظر برنامه اداری و ملی مقامات و تحصیل مناصب زیر چتر حمایت و پشتیبانی حزب در آیند و همین امر باعث عقده بنده مانعی بزرگ در راه اجرای صحیح انقلاب اداری بوده است و هست .

بهر حال این برعهده احزاب از طرفی و برعهده مدیران دستگاه‌های اداری از طرف دیگر است که در اجراء صحیح و صادقانه اوامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه بکارمندان تفهیم کنند که فعالیت حزبی آنها هیچگونه ارتباطی با پیشرفت‌های شخصی در محیط اداره ندارد و حزب هرگز وسیله‌ای برای تثبیت و توصیه و مداخله در امور ادارات نخواهد شد .

اجازه بفرمائید حسب وظیفه‌ای که معلوم کردند (عباس میرزائی - کی این وظیفه را برای شما معلوم کرده ؟) حزب من ، همانطور که برای شما باید وظیفه تعیین کند ، ما هم حزبی داریم که برای من تعیین کرده و بالاتر از حزب وظیفه خدمت (عباس میرزائی - احسنت وظیفه خدمت) جناب آقای رامبد در اینجا بیان کردند که شاید دلالتی بود که سکوت کنیم ولی وظیفه خدمت اجازه نداد شاید دوستان اطلاع داشته باشند که من تازه از مریضخانه بیرون آمده‌ام ولی باید هم وظیفه خدمت و هم دستور رهبر و حزب را اجرا کنم برای اینکه شمارا کمتر خسته بکنم فکر میکنم اگر از روی یادداشت بخوانم وقت را کمتر بگیرم .

انقلاب آموزش

بنده هر وقت بسر نوشت آموزش در کشوری اندیشم و می‌شوم که بخصوص عده‌ای از دانشجویان به بهانه‌ها یا

دلایل مختلف از حضور دکتر کلاس درس استادان سرباز میزنند و هربار بهانه ای را دستاویز میکنند که هیچکدام حتی اگر صحیح باشد نمیتواند دلیلی قانع کننده باشد که جوانان گرانمایترین سرمایه خود یعنی عمر خود را بیاطل بگذرانند و فعلاً برای آینده کشور نگران میشوم. اینهمه تلاش که برای توسعه اقتصادی و صنعتی کشور بعمل میآید جز این است که فردا این کارخانه ها این موسسات تولیدی همه باید بدست جوانان تحصیل کرده و کار آزموده سپرده شود این پیشرفتهائی که بارهبری شاهنشاه و کوشش ملت و دولت حاصل میشود جز این است که فردا باید بدست طبقه ای دانشمند و آماده داده شود اگر امروز جوانان ما در تحصیل دانش و تجهیز با تکنیک پیشرفته خود را آماده نکنند فردا وضع کشور ما چه خواهد شد؟ صنعت ما را که اداره خواهد کرد کشاورزی مدرن و با اصطلاح کشت و صنعت بدست چه اشخاصی باید بگردد کارهای اجتماعی مترقی ما چگونه خواهد گشت و میشوم دستگاه های آموزشی برخلاف مقررات که در همه دانشگاه های جهان و از جمله ایران وجود دارد و دانشجویانی را که بیش از حد مجاز غیبت میکنند بجلسه امتحان می پذیرند و نام آنها جلوگیری از نارضائتی دانشجویان میگذازند اگر این درست باشد بخدا این ظلمی است که بهمان جوانان میشود.

در دانشگاه های دنیا حتی اگر غیبت موجه از میزان مجاز تجاوز کند و شخص در دانشکده در کلاس استاد نزد استاد راهنما نگذارد مجبور است در فصل بعدی در امتحانات شرکت جوید اگر امروزه به بنده يك ديپلم طب مرحمت کنید آیا بنده میتوانم مریض را معالجه کنم یا حتی يك آمپول تزریق کنم؟ فرض کردیم همه این جوانان که تحصیل نمیکنند بخاطر اینکه جوان هستند و نباید رنجیده شوند ديپلم دادیم آیا ایران فردا را این ورق های ديپلم میخواهند باسرافرازی اداره کنند.

من معتقد هستم دستگاه های آموزشی با صداقت و صبر و حوصله باید با اعتراضات و سخنان آنها برسند و آنچه مربوط بمسائل آموزشی است توجه کنند و آنچه صحیح نیست با استدلال و منطق نه بانگلم و تشدد بدانچه تفهیم کنند اما هرگز در مورد اساس کار یعنی آموختن

و دانش آندوختن مسامحه و مسامله رواندارند.

نتیجه این کار این شده است که روز بروز ارزش دانشگاه دیده های کشور ما در بازار کار کمتر میشود. اینهمه که شاهنشاه آریامهر درباره گفت و شنید با دانشجویان و مداخله دادن آنان در کارهای اجتماعی خودشان و بالا بردن پیش سیاسی و اجتماعی آنان اصرار میورزند و توجه میفرمایند برای همین است که این دیوار عظیم بین دانشجویان و واقعیتها کشیده نشود و در عین حال حتی با استفاده از افکار دانشجویان در اصلاح سیستم آموزشی و اجتماع دانشجویان پیشرفتهائی نصب گردد.

معهدا در میان همین دانشکده ها گاهی در اجراء همین امر به مبارک دیده میشود اقداماتی کرده اند که هم منطقی است و هم نتیجه بخش بوده است ولی متأسفانه يك ارتباط کافی بین دانشکده ها وجود ندارد که از تجربیات و دست آوردهای هم استفاده کنند.

فی المثل مطلع شدم دانشکده ای علاوه از برقراری گفت و شنود بین استاد و دانشجو هر سال پس از امتحانات مانند يك امتحان از دانشجویان بصورت کتبی از وضع دانشکده نحوه مدیریت روش تدریس ترتیب کلاسها و استادان و نوع غذا - امور اجتماعی ورزش و دیگر مسائل که خودشان طرح نمایند جوایز می شود و آنها آزادی میدهد که نامه را امضا کنند یا نکنند سپس آن اوراق را زیر نظر یک عده از کارشناسان دانشکده و گاهی با دعوت از خارج دانشکده مورد بررسی قرار میدهد سپس پاسخی برای شاگردان بطور دسته جمعی تهیه میکند و در راهروهای مدرسه آنها آنگهی میکند.

در این پاسخها آمار داده میشود که چند درصد دانشجویان نسبت بچه موضوعاتی اعتراض داشتند. که فوراً یا طی يك برنامه مدت دار با تعیین مدت و پیش بینی مراحل آن رفع شکایت خواهد شد و نسبت بانچه نظر دانشجویان عملی نبود و پیاپی نهایتی دارد دلایل دفاع خود را مینویسد.

با این ترتیب دانشجویان خود احساس شخصیت میکنند و

می بینید که در اصلاح وضع دانشکده خود مؤثر بوده است.

بسیاری از دانشمندان معتقدند مسئله ای بنام جوانان اگر باشد جوانان آنها ایجاد نکرده اند بلکه بزرگترها این

مسئله را بوجود آورده اند اگر سالمندان خود را نافته ای جدا یافته از جوانان فرض نکنند و با یک روحیه مساوی و بی ادعای برتری با جوانان به بحث بنشینند نه فقط با این دید که مطالبی را بجوانان تفهیم کنند بلکه با این نظر که مطالبی را طرفین از یکدیگر بیاموزند ای بسا که هیچ مشکلی بنام مسئله جوانان پیش نیاید.

در محیط آموزش نزدیکترین اشخاص با دانشجویان همان استادان هستند، با عقدا بنده قبل از آنکه با استاد بگوئیم با دانشجو بگفت و شنود بنشیند و رابطه ای مطمئن و واقع بین بین دانشجو و اجتماع باشد اول باید رابطه آن استاد و اجتماع را مورد بررسی قرار داد و آنرا بهبود بخشید.

با کمال تأسف باید بگویم دولت دستگاه مسئول باین امر مهم توجه کافی مبذول نداشته است.

استادان و معلمان بخاطر مشکلات زندگی و بپاره ای بی ترتیبی ها که در کارشان وجود دارد پیوسته دلسرد و دل افسرده میشوند که:

افسرده دل افسرده کند انجمنی را

وزارت آموزش و پرورش و همچنین مؤسسات آموزش عالی با وجود کم بود معلم و استاد معهدا مواجه با استعفای روز افزون این گروه هستند.

باید دولت بوضع ۱۳۲ هزار معلم که در ۲۸ هزار مؤسسه آموزشی مشغول بخدمت هستند توجه فوری از مقوله افزایش حقوق، تأمین بیمه های اجتماعی تأمین مسکن و کمک های جنسی بنماید و ترتیبی بدهد که آنها

از زندگی فعلی خود راضی و نسبت با آینده خود ایمن شوند تا طبقات تحصیل کرده نیز بخدمت معلمی تشویق شوند هم اکنون در میان مؤسسات آموزش عالی آنچنان

بی ترتیبی درباره میزان حقوق هست که خود موجب نارضائتی است و حتی بر بودن استاد از این دانشکده بآن دانشکده میانجامد.

هنوز وزارت علوم مقررات استخدامی واحدی

برای مؤسسات آموزش عالی تعیین نکرده است و این مؤسسات غیر دولتی هر روز بصورتی مقررات خود را بنا بمصلحت روز و تنها بمصلحت خود تغییر میدهند و موجبات عدم ثبات را فراهم میآورند.

پایه حقوق در دانشگاه های دولتی و نیمه دولتی تفاوت بسیار دارد و بدین ترتیب اساتید دانشگاه های دولتی شهرستانها علاقه ای ب ادامه کار ندارند و جذب بخشهای دیگر و مدارس عالی و دانشگاه های نیمه دولتی و خصوصی میشوند.

اغلب اساتید رشته های اقتصاد و علوم اجتماعی بعلت دارا بودن مقام در سازمانهای دولتی و وزارتخانه ها یابخش خصوصی بعنوان مشاور یا عناوین دیگر در آمد بهتر و وضع ممتازتری دارند و از وضع خود راضی هستند ولی بعضی استادان بخصوص در علوم ریاضی بعلت آنکه معلوماتشان صرفاً فنی است و در بازار کار عادی خریدار ندارد باید با حقوق ناکافی خود بسازند و این خود بکنوع مشکل ایجاد کرده است.

جناب آقای نخست وزیر چه خوب بود با یک تحقیق معلوم بفرمائید چند درصد از استادان هر دانشکده از وضع خود ناراضی هستند و بعد نتیجه آنرا با وضع دانشجویان در آن دانشکده ها می سنجیدند - تا امیدانستند که عدم رضایت استاد از وضع خود و اعتراضات دانشجو درست و باهم در روی دو خط موازی حرکت میکند.

یکی از موجبات عدم رضایت استادان این است که اکثر بودجه آموزشی و تحقیقاتی صرف کارهای اداری و غیر ضروری میشود و بودجه های تخصصی صرف کارهای غیر تخصصی میشود.

چه منابع دارد يك نماینده از اساتید هر دانشکده در تنظیم و اجراء بودجه دانشکده ها و دانشگاه ها شرکت و نظارت داشته باشد.

تاکنون هیچک از مدارس عالی خصوصی ترا نامه مالی انتشار نداده اند وزارت علوم هم در این امر دخالت ندارد همین موضوع همیشه جامعه استادان و دانشجویان را بعلت تنوع خرجها مشکوک و بی اعتقاد میسازد و موجبات نارضائت آنها را فراهم میآورد.

با آنکه یکی از اصول مهم منشور انقلاب آموزشی رامسر و رهنمودهای رهبر انقلاب لزوم تطبیق سیاست آموزش با نیازمندیهای توسعه اقتصادی و ترقی اجتماعی کشور است. هم اکنون توزیع تعداد و درصد دانشجویان در رشته‌های مختلف نشان دهنده این واقعیت است که در این راه اقدام اساسی صورت نگرفته این همان نکته است که اشاره کردم بین اطلاعات من و جناب آقای دکتر فروزین اختلاف دارد وقتی دو نماینده از جهات مختلف آمار مختلف دارند وظیفه دولت است رسیدگی کند و اعلام کند تا اگر آمار من صحیح نبوده یا آمار ایشان معلوم بشود (دکتر فروزین - پیشنهاد شمارا می‌پذیرم موافقت بفرمائید وقتی نظر را اعلام کردند اینجا گفته شود).

در سال تحصیلی ۵۱-۵۰ آمار نشان میدهد که فقط ۱۸ درصد کل دانشجویان در رشته‌های مختلف در گروه مهندسی و چهار درصد در گروه کشاورزی و ۱۰ درصد در گروه پزشکی اشتغال تحصیل داشته‌اند در حالی که در گروه علوم اجتماعی ۲۲ درصد و همچنین در گروه علوم انسانی باز ۲۲ درصد از کل دانشجویان مشغول تحصیل بودند.

در حالیکه کشور ما در راه صنعتی شدن دو اسبه گام بر میدارد اشتغال فقط ۱۸٪ از کل دانشجویان بتحصیلات فنی و مهندسی هیچگونه مطابقت و هم‌آهنگی با نیازمندیهای جامعه متحول ایران ندارد.

متأسفانه در داخل همان ۱۸٪ گروه مهندسی نیز توزیع در رشته‌های مختلف مناسب با نیازمندیهای آینده و پیش‌بینی برنامه پنجم نمی‌آید. زیرا امثال تحصیل در رشته گاز و نفت فقط یک درصد کل و تحصیل در رشته معدن و متالژی فقط ۳٪ کل را تشکیل میدهد.

در صورتیکه در برآورد برنامه پنجم تعداد قابل ملاحظه‌ای را در این گروه نشان میدهد که مورد نیاز کشور خواهد بود.

در مدارس عالی دانشگاهها - سطح و محتوای اغلب رشته‌های مدارس عالی بی‌اندازه پائین افتاده است.

وزارت علوم راجع به محتوای برنامه و متون دروس

هیچگونه استاندارد ندارد و دانشگاهها به تناسب استادی که میتوانند جلب نمایند درس مربوط را در برنامه می‌گنجانند.

وزارت علوم در سالهای اخیر برنامه آموزش تنظیم کرده و فقط تذکر داده است که ۱۴۴ واحد برای دریافت لیسانس لازم است بدون اینکه محتوی و متون واحدها و درجات آن مشخص باشد. به همین جهت ملاحظه میشود دو دانشجو از دو دانشکده شیمی مهندس میشوند هر دو دارای یک دانشنامه ولی اطلاعات و میزان معلوماتشان در این رشته بسیار متفاوت است.

اگر تحقیق کافی بشود همیشه دانشجویان کلاسهای گله‌مندند که استادانشان نمیتوانند وقت شاگرد را با اطلاعات و معلومات کافی پر کنند و دانشجو احساس میکند مجموع درس یکسال استاد را میتواند در یک هفته مرور کند و بیاموزد. و وقتی می‌بیند که مواد درسی او با مواد دانشگاههای خارج تطبیق نمیکند و کمتر است طبعاً بر عمر تلف شده تأسف می‌خورد و ناراضی میشود.

یکی از مشکلات اساسی مؤسسات آموزش عالی که هم استادان و هم دانشجویان از آن شکایت دارند نبودن کتابهای درسی استاندارد است.

هنوز در وزارت علوم مرکزی برای استاندارد کردن کتابهای درسی دانشجویان رشته‌های مختلف بوجود نیامده است. با وجودی که شاهنشاه آریامهر در کنفرانس های آموزش مکرر در این باب اوامری صادر فرمودند و حتی کوشش‌هایی که تحت نظر علیاحضرت شهبانوی محبوب جهت تهیه کتاب برای کودکان بعمل می‌آید بعنوان نمونه معرفی فرمودند و با اینکه در وزارت آموزش و پرورش که وزارت مادر است چنین دایره‌ای هست که بکتابهای درسی و محتوای آن و یکنواخت ساختن آن می‌پردازد اکنون در دسترس دانشجویان با کتاب مورد لزوم نیست با بحدی گران است که نمیتواند بهای آنرا بپردازند و اکثراً کتابهایی در دسترس است که استادان درباره صحت مطالب و کامل بودن موضوعات آن کتب تردید دارند و اغلب موجب گمراهی و حتی مردود شدن دانشجویان در امتحانات میشوند. دانشجو بانگه‌ای مطالب کتاب منتشر شده در اوراق امتحانیه نظراتی را عنوان میکند و چون

آن نظرات با اعتقاد استاد پایه علمی ندارد نمره بدمیگیرد. چرا باید وزارت علوم کتابهای درسی استاندارد شده جهان خارج را بخصوص در زمینه علوم تجربی بوسیله استادان و هیئتهای علمی دانشگاهها و سایر شخصیتهای علمی که در کشور و از جمله در مؤسسات وابسته وزارت علوم یا آموزش و پرورش هستند ترجمه نکرده باشد. این وظیفه هر چه زودتر باید عملی شود و اگر لازم باشد فصولی جهت تطبیق اینگونه کتابها با پایه‌های تحصیلی دانشجوی ایرانی بر آن بیفزایند و با قیمت ثابت و متعادل در اختیار دانشجویان بگذارند البته این اقدام بمنظور تأمین زمینیه ثابت و واحد درسی و حداقل مطمئن برنامه است که باید عملی گردد و در عین حال هر استاد بتواند کتابهای دیگری را نیز علاوه بر آنها معرفی کند و نظرات خود را نیز طی جزوه‌ها بر آن بیفزاید.

در اینجایی مناسب نیست که یادآور شوم فقر کتاب در کتابخانه‌های بیشتر مؤسسات آموزش عالی غیر دولتی و حش آور است وظیفه وزارت علوم است که توجه خاصی باین موضوع بکند. در مورد مؤسسات آموزشی دولتی هنگام تنظیم بودجه باید درصد معینی باین امر اختصاص داده شود و در مؤسسات آموزش غیر دولتی نیز وزارت علوم نظارت کند که نظیر همین اقدام عملی گردد و در انتخاب کتاب و سفارش آن نیز کمکهای فنی اعمال گردد.

در مورد استاد راهنما نیز نارسائی‌های مؤثر ملاحظه میشود اصولاً سه موضوع جدا از هم را مخلوط کردند و هر سه را مختل ساخته‌اند.

یک استاد راهنما در هر گروه تحصیلی باید باشد که دانشجویان را در انتخاب درس و سایر امور آموزشی راهنمایی کند یک استاد راهنما هست که از طرف گروه آموزشی برای نظارت در پایان نامه‌های دانشجویان بطور انفرادی معین میشود و کار او چیز دیگری است و یک سرپرست دانشجویی هم لازم است که بابت امور متفرقه از قبیل مشکلات مالی

اجتماعی و خانوادگی دانشجو رسیدگی کند و از اطلاعات و تحصیلات مددکاری برخوردار باشد این راهنمایان باید اطلاعات و بصیرت کافی در کار خود داشته باشند.

در مورد وام و کمکهای تحصیلی متأسفانه دخالت دستگاه‌های مختلف در دادن وام و کمکهای تحصیلی به دانشجویان علاوه بر عدم رضایتی که بوجود آورده که مولود عدم آشنائی آن دستگاه‌هاست یک جنبه غیر علمی و غیر آموزشی و یک رنگ سیاسی یافته است که بسیار نامطلوب است و با وجودیکه در قطعنامه کنفرانس آموزشی بحل آن توصیه شده ولی بآن توجه نشده است.

از جمله مشاهده میشود بعضی مسؤولان کار ضمن تحصیل دستمزدی پرداخته میشود اگر واقعاً این پرداخت در مقابل کار باشد بسیار خوب است اما قسمت اعظم آن بصورتی است که وقتی از دانشجو تلف میشود بمحل کار می‌آید چندی می‌نشیند بدون آنکه کاری باور جوع شود و باز می‌گردد این روش اولاً مقام کار را پائین می‌آورد ثانیاً دانشجویان کار امروز کارکنان و کارفرمای خود برداشت غلطی در ذهن خود خواهد یافت و مشکلاتی بی‌پایه خواهد آورد مقام کار را باید محترم شمرد و باید آنرا جدی تلقی کرد.

هر چند سرمایه‌گذاری دولت در بخش آموزش و پرورش ۲۰ درصد نسبت بسال قبل افزایش یافته و به ۶۵ میلیارد ریال بالغ گردید اما چون در سالهای گذشته بعلت سرمایه‌گذاری بخش دولتی در فعالیتهای تولیدی و اقتصادی و اختصاص سرمایه‌های هنگفت بفعالتهای صنعتی سرمایه‌گذاری در بخش اجتماعی بخصوص آموزش و پرورش کافی نبود و مقدار کمی از اعتبارات را بخود تخصیص میداد به همین دلیل در قسمت آموزش و پرورش دولت توفیق کافی نداشته است. لذا انتظار بود که دولت توجه بیشتری بسرمایه‌گذاری در امور اجتماعی و بخصوص آموزش و پرورش میکرد تا انقلاب اجتماعی ایران هم آهنگ با رشد اقتصادی جامعه گردد.

باید از هم اکنون قسمت اعظم سرمایه‌گذاری

بخش دولتی در آموزش و پرورش صرف تعمیم آموزش و پرورش مناطق روستائی و گروه‌های کم درآمد و حاشیه نشین گردد زیرا در سالهای گذشته بعثت توزیع ناعادلانه سرمایه‌گذاری در این بخش در شهر و روستا تفاوت‌های بسیاری بر حسب مناطق جغرافیائی بین روستا و شهر دیده میشود.

در حال حاضر در کشور ما معادل  $3/2$  درصد از تولید ناخالص ملی صرف سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش میشود این نسبت در کشورهایی که از لحاظ جمعیت و توسعه اقتصادی همتای کشور ما هستند بیشتر است و باید لااقل بمیزان ۶ تا ۷ درصد برسد.

هنوز وزارت آموزش و پرورش مقدمات اجراء تعلیمات اجباری را برای دوره ۵ ساله تحصیلی فراهم نکرده است.

باینکه در سال ۱۳۵۱ تعداد دانش‌آموزان مدارس ابتدائی کشور به میلیون و دویست هزار نفر و مدارس نظری و راهنمائی یک میلیون و چهارصد هزار نفر بالغ گردید ولی هنوز نسبت دانش‌آموزان مدارس حرفه‌ای و فنی به دانش‌آموزان دوره متوسطه فقط چهار درصدی باشد باین نسبت کم که مطلقاً جوابگوی نیاز شدید مؤسسات صنعتی و اقتصادی نمیتواند باشد باز عملاً اولویت برای ایجاد مدارس غیر حرفه‌ایست.

در حالیکه شاهنشاه چنین فرمودند باید بطرح افزایش مدارس فنی و حرفه‌ای و تربیت کارگر ماهر و تکمیل نسبت بطرحهای آموزش نظری اولویت داده شود.

معهدا نسبت افزایش مدارس نظری بمدارس حرفه‌ای در رشته‌های مختلف صنعت (در هنرستانها و آموزشگاه‌ها) چه در کشاورزی (در هنرستان صنایع روستائی) و چه در رشته خدمات (مدارس بازرگانی و منشی‌گری) هنوز چند برابر است باید کوشش کنیم که نسبت دانش‌آموزان رشته‌های فنی را به ۵۰ درصد برسانیم و خود را برای برآوردن نیازهای صنعتی آینده مجهز سازیم.

اما برای آنکه بدانید در قسمت آموزش و پرورش انتظار چیست و فاصله تا هدف بچه اندازه است بیانات

رهبان خردمند مملکت را در هیئت عالی برنامه پنجم در سازمان برنامه یادآور میشوم که فرمودند:

«ایران در آینده نزدیکی اگر در این برنامه پنجساله پنجم کامل نشود و لسی حتماً در ۱۰ سال دیگر خواهد توانست از لحاظ آموزش نه‌تنها بی‌سواد نداشته باشیم بلکه دبیرستانهای عادی و حرفه‌ای باندازه‌ای باشد که احتیاجات مملکت را تأمین کند و همچنین از لحاظ دانشگاهی وسیله یافتن باشد که هیچکس بعثت اینکه در ایران جانیست مجبور بر رفتن بخارج نباشد یعنی تمام آن کادر دانشگاهی که مملکت ایران برای پیشرفت کارش لازم دارد در خود این مملکت آموزش یابد».

طبق فرمان صادره تا سال ۱۳۵۸ بیسوادی باید در جامعه کارگران صنعتی کشور ریشه کن شود برای این منظور طرح «پیکار با بیسوادی» ارائه شده و برای اجراء آن اعتبار کافی تأمین گردید.

بموجب تحقیقی که در مؤسسات صنعتی که ۲۰ نفر کارگر یا بیشتر دارند ۰/۳۴ مردان و ۰/۵۲ زنان بیسوادند و بیشتر این افراد در صنایع نساجی و غذائی مستقرند.

اکثریت کارفرمایان یعنی ۰/۷۳ آنان حاضر نیستند جهت سوادآموزی یا سواد افزائی کارگران اقداماتی بنمایند و البته معاذیری نیز دارند.

از جمله معاذیر آنان عدم استقبال کارگران بیسواد یا کم‌سواد به سوادآموزی یا سواد افزائی است در حالیکه متوسط حقوق کارگر ساده در قبال ۵۸ ساعت کار در هفته یعنی تقریباً روزی ۱۰ ساعت ۹۳۲ ریال است و با توجه باینکه هر خانواده حداقل از ۵ نفر تشکیل شده ملاحظه میشود که یک کارگر با مصرف حداکثر توان خود فقط قوت لامبوتی بدست می‌آورد که دیگر حوصله و امکان برای اود در فعالیتهای فوق برنامه باقی نماند تا کارگر تأمین و رفاه بیشتری نداشته باشد تا فراغت لازم باو داده نشود چگونه میتوان از او انتظار داشت که بتواند سوادآموزی بنماید.

حالا میردازیم به موضوع متوسط دستمزد کارگران که پائینتر از حداقل معینی است که دولت آنرا با طرق علمی و دقیق رسیدگی کرده در کمیسیون بودجه مطالبی

معروض داشتم که جناب آقای وزیر کار و همکارانشان در پاسخ مطالبی ایراد فرمودند که هم صحیح بود و هم امیدوار کننده.

در اینکه متأسفانه متوسط دستمزد کارگران ایران کمتر از حداقل نیازمندیهای زیستی کارگر یا باصطلاح باسکت است تردیدی نداشتند اما اظهار داشتند اقدامات رفاهی وسیعی که بر اثر عنایات خاص شاهنشاه آریامهر و باسرپرستی علیاحضرت شهبانوی ایران در مورد تأمین رفاه خانواده کارگران و همچنین بسیاری اقدامات دیگر در همین زمینه از طرف دولت و وزارت کار بعمل می‌آید بمنظور جبران همین فاصله است. من در اینجا لازم میدانم دو نکته را یادآور شوم اولاً همانطور که در کمیسیون بودجه عرض کردم این لیست حداقل معیشت یعنی باسکت يك لیستی است باکمال صرفه‌جویی که برای هر منطقه در نظر گرفته شده است.

مسئله دوم که تذکر میدهم این است که ما هم باین روش یعنی ترجیح انجام يك سلسله کارهای رفاهی و بخصوص بالابردن سطح درآمد خانواده از طریق کارآموزی هنرهای دستی بهمسران کارگر و نگاهداری کودکان کارگر در مهدکودک‌ها و آموزش آنان کمک بجوانان و پیران هر خانواده و تقویت شرکتهای تعاونی مصرف کارگران و توجه کامل به بهداشت آنان ایمان داریم.

ولی شرط آنست که این اقدامات رفاهی پوشش کافی بهمه کارگران بدهد در وضع فعلی این پوشش کافی نیست و گسترش این اقدامات ضرور است و محتاج تخصیص اعتبار و تجهیز بیشتر - همچنین برنامه باید تنظیم شود که اقدامات رفاهی از طرف مؤسسات مختلف عادلانه توزیع شود زیرا ملاحظه میشود که در چند نقطه مؤسسات مختلف مشغول فعالیت هستند ولی در بسیاری نقاط هیچیک از این مؤسسات فعالیت ندارند.

در سالهای اخیر بعثت افزایش تعداد دانش‌آموزان دبیرستانها که هم آهنگ با توسعه کمی و کیفی اینگونه مدارس نبوده است و نیست دبیرستانها فاقد دبیران آزموده، ساختمانهای مناسب تجهیزات و آزمایشگاه‌های لازم و حتی وسائل ورزشی کافی میباشند در نتیجه افزایش دانشجویان و کمی دبیران و بخصوص دبیران کار آزموده

و نقد وسائل طبعا معلمان برای کنترل کار يك يك دانش‌آموزان مجال کمتری داشته‌اند و مآلاً موجب تقلیل کیفیت آموزش متوسطه گردید.

همچنین افزایش روزافزون فارغ‌التحصیلان دوره دوم متوسطه هیچ گونه تناسبی با گسترش آموزش عالی نداشته و ندارد. و این یعنی فارغ‌التحصیلان بیکار دوره دوم متوسطه خود یکی از مشکلات بزرگ رادر سالهای اخیر میان جوانان ایجاد کرده است.

**رئیس** - جناب آقای فضائی فکر میکنم شما این مطالب را در کمیسیون علوم مطرح بفرمائید مؤثرتر است.

**فضائی** - بلی خیلی متأسفم که هم حوصله کم است و هم وقت زیاد صرف شده است.

**رئیس** - این مطالب بسیار علمی است و باید با حضور اهل فن این مسائل را بحث و بررسی و تحقیق کرد و از آن نتیجه گرفت و الا از بیان آنها در جلسه علنی چه نتیجه‌ای گرفته میشود؟

**فضائی** - بنده برای اطاعت از سلیقه و دستور رئیس عزیز و معظم خودمان مطلب را کوتاه میکنم و باین نکته اکتفا میکنم که حزب ما پیشنهاد کرد در مقابل این فشار زندگی چه اشکالی دارد دولت که میخواهد مبارزه بکند با توجه به درآمدهای خوبی که بحمدالله داریم و حمایت شاهنشاه بعضی از سرویسهای را که عامه از آن استفاده میکنند ارزان تر کند همان طور که مالیات غیر مستقیم فشار به عامه می‌آورد ارزان کردن سرویسهای عمومی از قبیل آب و برق و امثال آن برای مردم و عامه مردم يك وضع بهتری ایجاد میکند و در نتیجه بودجه هزینه خانواده‌ها پائین می‌آید و این بهترین مبارزه با گرانی قیمت‌ها است (مهندس صائبی - همه يك نسبت استفاده میکنند) جناب دوست عزیز همکلاس من اگر قصد اجرا باشد خیلی آسان میشود این کار را کرد فرض کنید برعکس قدیم که گرفتاری ما این بود که ده کیلووات اول برق قیمتی بالا داشت قیمت ۱۰ کیلووات اول را ارزان کنید اگر قصد اجرا باشد راه برای آن آسان پیدا میشود از این بابت شما ناراحت نباشید ولی عمده الهام حزب مردم از بیانات شاهنشاه بود در مورد

دانشجویان و افراد مستعد و تحصیلکرده و جوانان که فرمودند هیچ فرد مستعدی نباید از تحصیل محروم بشود بایستی تا آخرین درجه‌ای که استعداد او اجازه میدهد بتواند این مراحل را طی کند و اینکار فقیر و غنی ندارد اگر فقیر است دولت باید اقدام کند اگر هم غنی است خودش میتواند هزینه‌اش را تأمین کند و در واقع نظر حزب مردم الهامی بود از بیانات شاهنشاه بنده الآن سؤال میکنم در بودجه حاضر که ملاحظه فرموده‌اید برای اجرای این امر شاهنشاه برای اجرای اینکه هیچ فرد مستعدی از تحصیل باز نماند چه رقمی وجود دارد؟ چه برنامه‌ای وجود دارد؟ (دکتر دادفر - ۴۰ میلیون تومان در بودجه وزارت علوم و آموزش عالی بدان دانشجویان اول و ممتاز دانشگاه اختصاص داده شده است) این مسئله دیگری است و قبلاً هم چنین اعتباری بوده است از صبر و حوصله‌ای که به خرج دادید متشکر هستم (احسن - احسن).

**رئیس** - آقای صدری کیوان بعنوان مخیر کمیسیون توضیح میدهند.

**صدری کیوان** - جناب آقای رئیس - همکاران گرامی

عرايض امروز بنده بلحاظ مخیر کمیسیون بودجه توضیحاتی است در اطراف ایراداتی که به نحوه تهیه و تنظیم و ترکیب و قالب و نوع بودجه گرفته‌اند.

لیدر محترم گروه پارلمانی حزب مردم طی بیانات چهار ساعت خود اشاراتی راجع بشکل و فرم و نوع بودجه فرمودند که موظفم پیرامون مطالب ایشان توضیحاتی حضور نمایندگان محترم مجلس و ملت ایران برسانم.

۱- فرمودند «بودجه برنامه‌ای نیست و ارقام تحقق پذیر نمیشود».

البته در مقابل این ادعای لیلی ارائه نکرده اند و در مقابل فرمایش ایشان بنده بعنوان مخیر کمیسیون بودجه اعلام میکنم که بودجه اصلاحی ۱۳۵۲ و سال ۱۳۵۳ کل کشور يك بودجه کاملاً برنامه‌ای و عملیاتی است و دلالت را هم معروض میدارم و قضاوت امر را بعهد همکاران گرانمایه و امیدوارم همکاران گرامی استحضار دارند که در حال حاضر بودجه کشورهای مختلف جهان یا بروش متداول تهیه میشود و یا بروش بودجه بندی برنامه‌ای.

در روش متداول که ابتدائی ترین نحوه تهیه و تنظیم بودجه است منابع مالی دولت بین وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی توزیع میشود و اجزاء هزینه هر وزارتخانه با مؤسسه نیز در آن تعیین میگردد بعبارت دیگر در این گونه بودجه‌ها گفته میشود که مثلاً وزارت راه از مجموع اعتبارات خود چقدر صرف هزینه‌های پرسنلی می‌کند و چه میزان برای هزینه‌های اداری تخصیص میدهد در اینگونه بودجه بندی یا بودجه ریزی هیچگاه به دوسئوال اساسی ملت امکان پاسخ نیست. این دوسئوال عبارت هستند از «برای چی» و «چرا» منظور از برای چی این بود که وزارتخانه یا مؤسسه دولتی مصرف این اعتبارات و هزینه‌های مختلف (پرسنلی، اداری و یا سرمایه‌ای) چه کاری میخواهد انجام دهد و یا بعبارت دیگر برنامه اش چیست؟ و مراد از چرا؟ اینست که چرا باید این برنامه را انجام دهد. آیا این برنامه دارای اولویت مطلوب است یا خیر و اینکه از اجرای این برنامه فرضی چه افرادی منتفع میشوند.

در نوع دوم که نظام نوین بودجه نویسی است و بودجه برنامه‌ای معروف است عملیات سازمانها برای نیل به هدفهای معین است و بر آورد هزینه‌ها بر مبنای وظایف، برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف دستگاهها انجام می‌پذیرد و در این نوع بودجه‌ها است که امکان پاسخ دادن بآن دوسئوال ملت بخوبی فراهم است و خود بودجه کاملاً همه چیز را روشن میسازد و گویا است.

در ایران عزیز ما بدون اینکه عنایت و توجه دولت جناب آقای دکتر اقبال را بلزوم بودجه برنامه‌ای در سال ۱۳۳۶ از نظر دور بداریم که طبق تبصره (۱) قانون بودجه سال ۱۳۳۷ مؤسسات دولتی و وزارتخانه‌ها موظف شده‌اند ظرف یکماه بودجه برنامه‌ای خود را تهیه و بوزارت دارائی ارسال دارند که متأسفانه بعلت نبودن وسائل تهیه و اجرای بودجه برنامه‌ای در آن زمان جز یکی دو وزارتخانه توفیق اجرای تبصره (۱) سال ۱۳۳۷ را پیدا نکرده‌اند باید بگوئیم که تا سال ۱۳۴۳ بودجه - های کشور ما بصورت متداول تنظیم و تصویب میشد. در سال ۱۳۴۴ اولین گام تنظیم بودجه برنامه‌ای در

ایران برداشته شد و در بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ اقداماتی در زمینه طبقه بندی دستگاهها بر اساس مهمترین وظایف آنها انجام شده است و از سال ۱۳۴۴ بعد بودجه‌ها بر اساس بودجه‌های برنامه‌ای منطبق با پیشرفته ترین اصول بودجه نویسی برنامه‌ای تنظیم و ارائه گردیده و از آن سال تا کنون دولت همواره رهتور در ترقی و تکامل بوده تا امروز که بودجه برنامه‌ای ایران از يك حیثیت و اعتبار جهانی برخوردار است و در مجامع علمی دنیا بعنوان يك بودجه مترقی و علمی از آن یاد میشود که بهترین شاهد مثالش همین بودجه سال حاضر است که واجد کلیه مزایا و محاسن بودجه‌های برنامه‌ای.

۱- این بودجه علاوه بر اینکه منابع درآمد های دولت را بر حسب بند و بخش و اجزاء بخوبی نشان داده است بر آورد هزینه بر حسب وظیفه و برنامه و فعالیت روی دستگاه و ردیف و برنامه و مواد هزینه تقسیم بندی شده و جهات مختلف هزینه‌ها را بخوبی جمع کرده است که خود یکی از مزایای بودجه برنامه‌ای است. توجه لیدر محترم اقلیت را ببودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ جلب میکنم.

۲- در این بودجه عملیاتی را که هر سازمان برای نیل به هدف یا هدفهای معینی اجرا خواهد کرد بخوبی نشان داده شده است و به نحوی تنظیم گردیده که در قالب و شمول هدفها و برنامه‌های عمرانی پنجساله میباشند پیوست شماره (۲) مبین این خصیصه است که قطعاً مطالعه فرموده‌اند.

۳- علاوه بر تجزیه و تحلیل بودجه سال ۱۳۵۳ در پیوست شماره (۱) وضع کلی اقتصاد ایران و تعادلهای اساسی آن و ارتباط با تعادل مالی مملکت بخوبی مجسم شده است که با مطالعه آن بوضع کلی اقتصادی مملکت و برنامه مالی دولت و قوف کامل پیدا خواهند نمود.

۴- تهیه این بودجه از کوچکترین واحد اجرائی پیشنهاد شده و با سوق دادن مسؤلیت تهیه بودجه از مرکز به واحدهای اجرائی و دریافت پیشنهادات لازم بعدیران سطوح بالای تصمیم گیری این فرصت را داده است تا بهترین پیشنهادات را انتخاب و برگزینند.

۵- در این بودجه این گزینش با توجه به عوامل مختلف زیر انجام گرفته است.

۱- با توجه به محدودیت منابع مالی، اساسی ترین برنامه بین برنامه‌های پیشنهاد شده انتخاب گردیده است.

۲- برنامه‌ها با برنامه‌های دولت هم آهنگ گردیده است.

۳- در بین برنامه‌های مشابه برنامه‌های انتخاب شده که نازلترین خرج و بیشترین فایده را در بر دارد.

۴- اولویت از لحاظ توزیع جغرافیایی منابع مالی رعایت شده و به مناطق کم بهره بیشتر توجه شده است.

۵- روش تخصیص اعتبار اعمال شده و منابع مالی با توجه به قدرت جذب يك دستگاه شرایط اقلیمی و طبیعی، اهمیت برنامه‌های مورد نظر توزیع گردیده که حاصل آن رسیدن به هدفهای اساسی دولت است.

با توجه باین خصوصیات که در کتب مالیه علمای مشهور علم مالیه و مؤلفین دانشمند مملکت خود مادقیماً درج شده‌اند و با در نظر گرفتن ملحقات و منضمات و فرم و شکل آن با قاطعیت می‌توان اعلام کرد که این بودجه يك بودجه کامل برنامه‌ای و عملیاتی است که واجد کلیه خصائص يك بودجه علمی و يك برنامه‌گرای مالی و يك سند افتخار آفرین فنی و تکنیکی است که چنانچه کسی غیر از این درباره‌اش ادعائی کند این ادعا از روی کمال بی‌مهری است.

علاوه بر این بودجه‌های برنامه‌ای ایران ویژگی‌های خاصی دارد که چند مورد را هم برای استحضار بیشتر نمایندگان محترم بر می‌شمارم.

۱- در این سالها هدف دیگری نیز دنبال شده و آن این بوده که بتدریج در آمدهای اختصاصی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی حذف و به درآمدهای عمومی منتقل گردیده است.

۲- کوششهایی در جهت نشان دادن سهم هر يك از مناطق از مجموع اعتبارات برخی وزارتخانه‌ها تعیین و در بودجه منعکس گردیده است بودجه مناطق وزارت آموزش و پرورش از سال ۱۳۵۰ به بعد بنحو کاملی در بودجه‌ها



منعکس گردیده و در بودجه سال ۱۳۵۳ اعتبارات وزارت کشور در استانهای مختلف نشان داده شده است علاوه بر آن از سال ۱۳۵۲ اعتبارات طرحهای خاص ناحیه‌ای در قسمتی جداگانه در بودجه منعکس گردیده است حال ببینیم چنین بودجه‌های برنامه‌ای و عملیاتی چگونه تهیه میشوند.

همانطوریکه استحضار دارید بودجه سالانه فی الواقع انعکاس برنامه یکساله دولت است که باید در قالب برنامه‌های معین برای یکسال مالی تنظیم میشود و اخیراً باتلفیق بودجه اصلاحی با بودجه سالانه دید بودجه دید دوساله گردیده است. و اصل تنظیم بودجه بشرح زیر است:

۱- تهیه و تنظیم سیاست‌ها، هدفها، خط‌مشی‌های کلی سالانه که با توجه به برنامه عمرانی تنظیم میشود. در تنظیم این سیاست‌ها هدفهای کلی اقتصادی و اجتماعی دولت بطور مشخص در گزارش اقتصادی معین و تدوین میگردد.

۲- باتوجه به این گزارش سازمان برنامه و بودجه بخشنامه بودجه را تهیه و بدستگاههای اجرایی ابلاغ مینماید.

۳- دستگاههای اجرایی (وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی) موظفند بر اساس مفاد بخشنامه دولت، دستورالعملهای لازم را تنظیم و به واحدهای خود در شهرستانها ابلاغ نمایند.

۴- پیشنهادهای بودجه واحدها در سطوح بالاتر هم آهنگ و تلفیق میگردد و به مرکز ارسال میشود. مثلاً پیشنهادهای واحدهای اجرایی در یک شهرستان باید جمع گردد، بررسی شود و نتایج آن بسطع استان و سپس به مرکز ارسال شود.

۵- کلیه پیشنهادهای رسیده از مناطق کشور در مرکز وزارتخانه جمع آوری، بررسی و تلفیق می‌گردد و سپس بعنوان بودجه پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه فرستاده میشود.

۶- همراه بخشنامه دولت، برنامه زمانی ارسال بودجه از وزارتخانه سازمان برنامه و تاریخ رسیدگی بآنها در سازمان برنامه و بودجه به دستگاههای اجرایی ارسال میشود. وزارتخانه‌ها و مؤسسات مکلفند بودجه

خود را در موعدی که در بخشنامه تعیین شده است سازمان برنامه و بودجه ارسال دارند و در موعدمقرر برای دفاع از بودجه در جلسات رسیدگی بودجه شرکت نمایند.

۷- رسیدگی بودجه‌های پیشنهادی در سازمان برنامه در حدود دوماه بطول می‌انجامد در این مدت کلیه کارشناسان بودجه در سازمان برنامه بطور تمام وقت و حتی گاهی ۱۶ ساعت در روز کار میکنند.

۸- پس از اتمام رسیدگی بودجه نظرات سازمان برنامه و بودجه در مورد بودجه پیشنهادی دستگاههای اجرایی در جلسه شورای اقتصاد مطرح و مورد بررسی مجدد قرار می‌گیرد.

۹- پس از تأیید و بررسی شورای اقتصاد سازمان برنامه و بودجه لایحه بودجه را با ضوابط آن تنظیم و پس از چاپ برای تقدیم بمجلس شورای ملی آماده می‌سازند. در این رهگذر علاوه بر عده زیادی از هموطنان ما در سرتاسر کشور در سازمان برنامه ۲۳۶ نفر کارشناس و ۴۸ نفر کادر اداری جمعاً ۳۰۶۷۲۰ ساعت کار کرده‌اند تا این بودجه آماده تقدیم بمجلس شورای ملی گردد حال همکاران گرامی اظهار لیدر محترم فراقسیون اقلیت که فرمودند این بودجه مغشوش و غیر قابل فهم میباشد با این حجم کار با این نیروی انسانی عظیم که بکار رفته برای بودجه و با این خصوصیات روشن آبیایی مهری نیست؟ (احسن) جادار از تمام افرادی که در تهیه و تنظیم این بودجه مؤثر بوده‌اند بخصوص مسئولان و کارشناسان سازمان برنامه و بودجه تشکر کنیم (صحیح است).

مطلب دیگری که خیلی اسباب تعجب من شد این بود که فرمودند:

بودجه کل مملکت که ۳۲ درصد اضافه شده مشتمل بر بودجه عمومی و بودجه عمرانی است، و بلافاصله فرمودند: بودجه عمرانی یعنی تولیدی و بودجه عمومی یعنی ریخت و پاش. ای کاش جناب آقای رامبد ضمن مطالعه بودجه نظری هم بقانون محاسبات عمومی و قانون سازمان برنامه و بودجه که بودجه عمومی را تعریف می‌کنند می‌انداختند. زیرا طبق ماده اول قانون محاسبات عمومی بودجه عمومی مشتمل بر دو جزء است:

۱- بودجه عادی برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی.

۲- بودجه عمرانی برای اجرای برنامه‌های عمرانی.

و بند ۶ ماده اول قانون برنامه بودجه می‌گوید: بودجه عمومی دولت منظور بودجه‌ای است که در آن برای اجرای برنامه‌های سالانه منابع مالی لازم پیش-بینی و اعتبارات جاری و عمرانی دستگاههای اجرایی تعیین میشود.

علاوه بر این تعاریف چنانچه بمن بودجه توجه کنیم می‌بینیم زیر عنوان اعتبارات عمومی دو ستون هست یکی اعتبارات جاری و یکی اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت.

پس، بودجه عمومی شامل بودجه جاری و بودجه عمرانی است. با این ترتیب در بودجه عمومی دولت قسمتی از منابع مالی برای سرمایه‌گذاری ثابت و قسمتی دیگر بمصرف هزینه‌های مستمر و جاری میرسد و کلیه اعتبارات عمومی دولت برای هزینه‌های مربوط پرداخت حقوق تخصیص داده نمیشود.

شاید مراد ایشان همان بودجه جاری است که بمصرف هزینه‌های پرسنلی و اداری رسانیده میشود که گویا بنظرشان بگونه «ریخت و پاش» دولت است حالا با هم بودجه عمومی سال ۱۳۵۲ و مخصوصاً بودجه جاری را بررسی میکنیم:

از جمع ۵۹۳/۵ میلیارد بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۵۲ مبلغ ۱۹۳/۸ میلیارد ریال آن اعتبارات سرمایه‌گذاری ثابت و ۳۹۹/۷ بودجه جاری دولت است.

در بودجه جاری هزینه‌های مربوط به دفاع، امور اجتماعی و اقتصادی منظور شده است. که در واقع هزینه‌های نگهداری بیمارستان‌ها، مدارس، مزارع نمونه واحدهای اقتصادی است که قبلاً برای ایجاد آنها سرمایه‌گذارهای عظیمی صورت گرفته است. و قتیکه بیمارستان یا مدرسه‌ای ساخته میشود باید توسط دولت نگهداری شود زیرا در غیر اینصورت سرمایه‌گذارهای انجام شده نمیتواند مفید فایده باشد. پرداخت حقوق

پزشک برای خدمت در بیمارستانها و درمانگاهها بمعلم در مدارس و بیامهندس کشاورزی در مزارع نمونه در بودجه جاری منظور شده است و اگر هدف این باشد که دولت ساختمان بیمارستان را بسازد و تجهیز کند ولی پزشکی برای بهره برداری از آنان بخدمت نگمارد بدیهی است هدف از ایجاد بیمارستان و تجهیز آن مصداق پیدانموده است و همینطور هزینه سایر خدماتی که دولت در زمینه‌های مختلف چه در اجرای اصل «حاکمیت» و یا اصل «تصدی» بعهده دارد در بودجه جاری منعکس شده است. پس همکاران گرامی با این توضیح تصدیق مینمائید که اظهار کلمات «ریخت و پاش و حاتم بخشی» بعنوان بودجه عمومی صرفاً بک کم لفظی است.

همکار دیگرم جناب آقای دکتر رئیسی بودجه را بودجه پرسنلی خواندند من آرزو دارم روزی مملکت ما بحدی ترقی و پیشرفت کند که بودجه پرسنلی اش ۱۰۸۶/۴ میلیارد ریال گردد. دوست عزیزم مگر بخش‌های مختلف بودجه را قرائت نفرموده‌اید از این رقم عظیم درصد مختصری صرف حقوق میشود که برای اداره چرخهای عظیم مملکت و اجرای بودجه‌ای باین حجم و باین وسعت ناگزیر از پرداخت هستیم زیرا اگر کارکنان نباشند چه کسی چرخهای عظیم مملکت را بگردش در می‌آورد اینهمه برنامه‌ها که گنجانده شده کجایش پرسنلی است برنامه‌ها را افراد اجرا می‌کنند و افراد هم باید حقوق بگیرند زیرا خدمت هم بگونه کالا است همانطور که برای بکار انداختن فلان کارخانه بمواد اولیه و سرمایه‌ای نیاز داریم بخرید خدمات هم نیاز داریم والا اگر بزرگترین مجتمع صنایع پایه‌ای را با آخرین تجهیزات و بالاترین حجم تولید بسازیم و متخصص و کارمند و کارگر برای اداره آن نداشته باشیم آیا آن کارخانه بکار می‌افتد و محصول میدهد. در خانمه برای حسن ختام باید عرض کنم.

بودجه عظیم برنامه‌ای و عملیاتی اصلاحی سال ۱۳۵۲ و سال ۱۳۵۳ کل کشور با رقمی معادل ۱۰۸۶/۴ میلیارد ریال پیام آور مژده‌ها و واقیاتی است. که بذكر یکی از آنها اکتفا می‌کنم چون بشایم برای جاز است:

این بودجه از عظمت رهبریهای اندیشمندان و تعالیم داهیانه شاهنشاه آریامهر رهبر عالیقدر ایران حکایت دارد که در سایه سالها تلاش و کوشش و مجاهدت و فعالیت و رهبری صحیح و حساب شده کشور مارا با ممالک مترقی و پیشرفته همگام فرموده و جامعه‌ای نو بر اساس دموکراسی واقعی که بهتر زیستن، اقتصاد سالم داشتن ارتقاء سطح درآمد عمومی عدالت اجتماعی، رفاه، آسایش و بهروزی و عظمت و ترقی و تعالی در دامنه شمول آن قرار دارد بنا نهاده‌اند و در این واقعیت عینی نکته‌ای افتخار آفرین نهفته است که برای روشن کردن آن باید از تاریخ ایران مدد بگیریم. بشهادت تاریخ مدون و دقیقی که آئینه تمام نمای اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و مدنی ما از هشت قرن قبل از میلاد تا کنون می‌باشد ترقی و تکامل و با انحطاط و تنزل مملکت ما در اعصار و قرون در وجود پادشاهان ایران خلاصه شده و میشود. مطالعه وضع عمرانی و آبادانی ایران در عصر هخامنشی و ساسانی و آل بویه و صفویه و عصر حاضر یعنی عصر خاندان جلیل پهلوی بعلم فرمانروائی شاهنشاهانی امثال کوروش کبیر، داریوش کبیر، شاپور اول، شاپور دوم، خسرو انوشیروان و عضدالدوله دیلمی، شاه عباس کبیر، رضاشاه کبیر و هم اکنون وجود مقدس محمد رضاشاه آریامهر شاهنشاه افتخار آفرین از اعصار ترقی و تعالی ما بشمار رفته و هم اکنون ماملت سرافراز ایران بسیار می‌بایست و مفتخریم که این عصر پرافتخار را درک کرده و از کلیه مواهب این عصر خجسته برخورداریم جادارد از زبان دل همه شما نمایندگان محترم و از زبان دل همه ایرانیان شاهدوست بخاکبای مبارک همایونی عرض کنم:

ای آفتاب ملک بسی روزها بتاب

وی سایه خدای بسی سالها بمان

(احسن - احسن)

رئیس - آقای دکتر الموتی بفرمائید

دکتر الموتی - جناب آقای رئیس، همکاران

محترم

افتخار دارم در این ساحت مقدس از لایحه بودجه‌ای دفاع می‌کنم که ارقام و اعداد درخشان آن نمودار کامل

ترقی و پیشرفت و رشد و توسعه اقتصادی کشور ماست و با اجرای آن هر روز در بجه تازه‌ای از سعادت بروی ملت کهنسال ما گشوده میشود.

ما وقتی تاریخ ایران را ورق می‌زنیم گروهی از ما شاهد روزهای بودیم در شهریور ماه ۱۳۲۰ در آن روزهای سختی که می‌دیدیم در این مملکت چه غوغائی بود، نیروی بیگانه در کشور، آثار هرج و مرج در سراسر این مملکت وضع نابسامان قحطی و قلا در این مملکت سایه افکنده بود شاهنشاه ایران در سن ۲۲ سالگی قبول مسئولیت فرموده رهبری مملکت را بعهده گرفتند در آن روزهای خیلی متشنج، این همان ایرانی است که امروز این چنین در دنیا بلند آوازه است (صحیح است) همان ایران شهریور ۲۰ است که یک رهبر بزرگ از آن وضع مارا باین روز رسانده است (آفرین) این اندیشه، این فکر، این رهبری نه تنها برای ملت ایران، امروز تجربه بدنی ثابت شده است بلکه برای دنیای ما بسیار گرامی و ارزنده است (احسن) بخاطر بیاوریم آن روزهایی که نیروی بیگانه در این مملکت بود آن روز که ارتش بیگانه در این مملکت چه میکرد که گروهی بیگانه پرست در صدد تجزیه و وطن ما بودند آن روزی که خیلی از ممالک دنیا بآینده خودشان امیدوار نبودند رهبر ما شاهنشاه ما اعلامیه معروف تاریخی را در آن کنفرانس معروف و تاریخی که روزولت، استالین، چرچیل شرکت داشتند بانضا رساندند این سند افتخار پادشاهی است که توانسته است ملت خودش را از آن روزهای بحرانی و سخت و از آن روزهای سیاه نابسامان نجات دهد (صحیح است - احسن) این را از نظر سیاسی، از نظر سیاست نفتی و اقتصادی از نظر اجتماعی و ملی دیدیم بیاید وضع ایران را بنسجم که قبل از انقلاب چه بودیم کجا بودیم امروز کجا هستیم شما فرزندان خلف انقلاب ایران هستید همه شما در سایه انقلاب ایران امروز مسئولیت خدمت بعهده دارید نمایندگان اقلیت و اکثریت و دولت همه فرزندان صادق انقلاب هستند انقلابی که امروز وقتی ایرانی به اجتماع جهانی می‌رود با کمال افتخار میتواند بیلان درخشان از کشور خودش را عرضه کند اینهمه ترقی و پیشرفت و از بین بردن بیعدالتی‌ها علم

نسای ها و هزاران گرفتاری دیگر در سایه انقلاب اجتماعی ایران از بین رفت امروز همه ملت ایران از زن و مرد و کارگر و کشاورز و بازرگان افتخار میکنند در اجتماعی زندگی میکنند که اجتماعی است مترقی و خوشبختانه بیعدالتی‌ها یکی پس از دیگری از بین رفته و می‌رود و ما کسانی هستیم که افتخار انجام چنین خدمتی را بعهده داریم. شاهنشاه در اوایل سلطنت خودشان فرمودند سلطنت بربک ملت گرسنه افتخار ندارد در آن روز شاهنشاه ایران برنامه ایران مترقی امروز را ترسیم و طراحی فرموده بودند چنانچه امروز هم برنامه مترقی ایران آینده را ترسیم فرموده‌اند.

لایحه متمم بودجه سال جاری و بودجه ۱۰۸۶ میلیارد ریالی سال ۱۳۵۳ که بزرگترین سند مالی دوران مشروطیت ایران است عالیترین بیلان خدمتگزاری دولت حزبی ما، دولت هم‌مسلك هویدا است. دولتی که در نخستین دهه انقلاب در اجرای نیات عالی شاهنشاه آریامهر، رهبر پیروز انقلاب ایران افتخار انجام خدمات صادقانه‌ای را داشته و با استظهار بعنایت رهبر عالیقدر ما و حمایت صمیمانه و بی‌دریغ افراد ملت ایران بخصوص پاسداران انقلاب کارنامه اعمالش هر روز درخشان‌تر از روز قبل است (صحیح است).

بدون شك خدمتگزاری در این عصر جهش و دوران انقلاب کار سهل و ساده‌ای نیست. زیرا اندیشه‌های گهربار رهبر عالیقدر ملت ایران بصورتی است که سرعت می‌خواهند عقب‌ماندگیهای قرون و اعصار از بین بروند تا هر چه زودتر ایران انقلابی امروز در ردیف ۲۰ کشور بزرگ دنیا قرار گیرد بدیهی است که این جهش و سرعت و توسعه، افراد لایق و کاردان و ارزنده و شایسته می‌خواهد که خوشبختانه حزب ایران نوین افتخار دارد که در دوران انقلاب توانسته است چنین فرزندان ارزنده کشور را بزرپرچم خود گرد آورده و مکتبی برای تربیت و آماده ساختن انسان‌هایی باشد که برای خدمت صادقانه شاهنشاه بزرگ خود و ایران مترقی و پیشرو امروز از هر جهت لیاقت و شایستگی داشته باشد.

دنیای ما دنیائی است پر از مشکل که متمدنترین ممالک امروز در حل خیلی از معضلات آن دچار ناتوانی

هستند ولی ملت کهنسال و آزاده ما می‌بایست و سر بلند است که در سایه ارشاد حکیمانه و با راهنماییهای خردمندانه رهبر مدبر و هوشمند و داهی ایران کشور ما آنچنان سرعت ترقی داشته که اکنون از نظر رشد اقتصادی در دنیا نمونه و از نظر پیروزیهای انقلابی سرمشق و از نظر وضع درخشان مالی کشوری ممتاز و از نظر امنیت و آرامش و ثبات بینظیر می‌باشد.

رمز اصلی و اساسی این موفقیت در این جهان پر آشوب و پرتلاطم هم بستگی عمیق شاه و ملت است که طی ۲۵۰۰ سال تار و پود آن بهم پیوند زده شده و در دوران سلطنت دودمان پهلوی بخصوص دوران سلطنت پرافتخار شاهنشاه آریامهر این رشته ناگسستی محکمتر و استوارتر گردیده بنحوی که امروز همه جهانیان میدانند صدای شاه، صدای ملت ایران است. گفتارهای رهبر انقلاب ایران ندای قلبی همه ایرانیان می‌باشد (صحیح است).

اینجا من به آماری اشاره می‌کنم چون نمی‌خواهم زیاد وارد ارقام بشوم آمار شهریور ۲۰ را نگاه می‌کردم وقتی این کشور بشاهنشاه سپرده شد. درآمد نفتی ایران در حدود ۴ میلیون پوند یعنی ده میلیون دلار بود این همان کشوری است که سال آینده حداقل ۱۴ میلیارد ریال از نفت در آمد دارد با اضافه یک میلیارد و نیم فروش نفتی سهم خودمان برای ششماه و باز هم هزاران امید آینده شما ببینید در آمد نفتی یک ملتی در ۳۳ سال ۱۵۰۰ برابر اضافه شده این ارقام است من خیال نمی‌کنم کسانی که این ارقام را پهلوی هم می‌خوانند هر اندازه دشمن این مملکت هم باشند دشمن این ملت هم باشند وقتی که این دو رقم را پهلوی هم بگذارند غیر از احترام و تجلیل و درود و تحسین بشاهنشاهی که این چنین برای ملت خودش سرافرازی بدست آورده کاری نکنند (احسن) حالا باز هم اینجا وقتی آمارها را پهلوی هم می‌بینیم که در آمد نفتی ایران چطور بوده است خوب روزگاری بود در این مملکت در نقاط نفت خیز عده‌ای بنام کمپانی نفت، غول نفت و عناوین دیگر حضور داشتند حکومت داشتند مداخله می‌کردند سر نوشت سیاسی ملتها و سبیل استثمار و منافع آنها بود در امور داخلی مملکت

دخالت می‌کردند در انتخابات دخالت می‌کردند. سفارتخانه ها دخالت می‌کردند اما هرگز شید ایران. رهبر بزرگ و متفکر ایران ایستاد و تمام این سدها در هم شکست و برای همیشه باین مداخلات پایان داد (صحیح است - احسن). ما می‌گوئیم در آمد نفتی ایران الآن هر بشکه ای ۷ دلار است در آینده هم نمیدانم انشاءاله بهتر خواهد شد ولی ببینیم از ۱۹۵۴ تا الآن در آمد نفتی ما چطور بالا رفته است ما الآن ۶ میلیون بشکه در روز نفت داریم آنوقت کمتر بود در ۱۹۵۴ در آمد نفتی ما هر بشکه ۹/۹۵ سنت بود. در ۱۹۶۰ هشتاد سنت در ۱۹۶۵ هشتاد و سه سنت، در ۱۹۷۰ کنفرانس تهران هشتاد و هفت و سه دهم سنت، در ۱۹۷۱ صد و بیست و هشت و شش دهم در ۱۹۷۲ صد و چهل و سه سنت ژانویه تا آوریل ۱۴۹/۸ سنت آوریل تا ژوئن ۱۵۹/۵ سنت ژوئیه ۱۷۰/۳ سنت اکتبر سه دلار و ده سنت اول ژانویه ۷ دلار و ۱۰ سنت و یک بار هم در مزایده نفتی به ۱۷ دلار و ۳۴ سنت رسید (احسن) این نشانه رشد و داشتن يك برنامه سیاسی و روشنی است که در رهبر ایران برای ملت خود ترسیم کرده و همه کسانی که در اجرای این برنامه ها خدمت میکنند شایسته تقدیر و تحسین هستند (آفرین) حال می‌بینیم علاوه بر این شاهنشاه ما در سطح جهانی در سطح خاور میانه و منطقه در آمد نفتی را بالا برده اند صحیح است که هر بشکه به هفت دلار رسیده در آمد نفتی سایر ممالک نفتی خلیج فارس هم افزایش پیدا کرده رقمی در حدود ۶۰ میلیارد دلار عاید کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس میشود مقایسه کنید این ۶۰ میلیارد دلاری که امروز بجیب صاحبان اصلی کشورهای نفت خیز می‌رود در گذشته بجیب میرفت بجیب اغلب کمپانی‌ها شماره اخیر نیوزویک ارقام در آمد آنها را منتشر کرده بود فلان کمپانی نفتی چند میلیارد و چند میلیون با رقم‌های سرسام آور دیگر ولی امروز آنهایی که منابع نفتی کشورهای مثل ما را غارت کردند خوب دیدند که دیگر نمیشود در کشوری مثل ایران با وجود رهبری مثل شاهنشاه آریامهر بدوران استثمار ادامه داد (صحیح است) نتیجه این است که ما امروز می‌بینیم که کشورهای حوزه خلیج فارس يك وضع ممتازی در سطح جهان پیدا کرده اند و خودشان هم قبول دارند که رهبری، باشخص شاهنشاه آریامهر است فرمایشات دیگر

شاهنشاه ما که از نفت نباید برای سوخت استفاده کرده مهم است زیرا بجای استفاده ۳۰ سال از منابع نفتی ایران باید ۳۰۰ سال از منابع نفتی ایران استفاده کنیم بسیار صحیح است و دنیا باید ببیند و همه فکر کنند که این منبع عظیم بسود بشر باشد ولی در کشور ما مطالعه و فکر شده و من که در مضاجه شاهنشاه افتخار شرکت داشتم از نزدیک فرمایشات شاهنشاه را شنیدم . اتفاقاً روزنامه مردم ارگان حزب مردم را میخواندم آقای رامبد بشما تبریک می‌گویم روزنامه مردم روزنامه خوبی است بعنوان يك روزنامه نویس باید بگویم که روزنامه خوبیست ، ولی بیانات شما را بکطور دیگر منتشر کرده هر جا را خواستند خط زده و همچنین سخنان آقای زهتاب فرد را ، خیلی مطالب خوب داشت نیش داشت، نوش داشت ، نیش ها آورده ولی نوش ها را چاپ نکرده ولی ارگان خوبی برای حزب نیست.

**رامبد** - بفرمائید این نطق‌ها را در روزنامه ایران نوین بگذارند.

**دکتر الموتی** - باز هم حرفی نداریم با کمال میل ، من بعنوان يك روزنامه نویس می‌گویم روزنامه مردم روزنامه خوبی است گرچه بعضی هایشان عضویت حزب را ندارند ولی باید با اصول حزبی آشنا بشوند روزنامه حزبی منتشر کردن با روزنامه سیاسی آزاد فرق دارد بهر صورت روزنامه خوبی است ولی جناب آقای رامبد در هر سه شماره ای که تا بحال منتشر شده به همکاران پارلمانی ما نیش زده . قربانت گردم يك روزنامه پیدا کردید سه روز بمانیش زدید ما ۸۵ روزنامه و مجله داریم هرگز بشما نیش نزدیم آخر يك خورده با هم راه بیائیم . همان شماره اول راجع بخانم جهانبانی مطالبی نوشته ایشان يك خانم منظم يك خانم مرتب ببینید این کار يك روزنامه حزبی نیست .

**یکنفر از نمایندگان** - کم تجربه اند .

**دکتر الموتی** - بهر صورت بنظر من زیاد بکار حزب آشنائی ندارند .

**رئیس** - آقای دکتر الموتی ، مخبرشان را دعوت کردیم شام بخورد به رستوران ما هم نیش زد (خنده نمایندگان)

**دکتر الموتی** - بلی ، ببینید که رئیس عزیز و

شریف و بر حوصله ما هم وقتی که مواجه شدند با چنین جریانی حق دارند چنین مطلبی بفرمایند ، خوب از این مطلب بگذریم که يك مطلب روزنامه نگاری است . نکته ای را می‌خواستم عرض کنم راجع بمصاحبه شاهنشاه آریامهر که بیاد روزنامه شما افتادم . شاهنشاه اشاره فرمودند به استفاده از برق اتمی فرمایشاتشان را میخوانم :

«ما باید کوشش کنیم هر چه زودتر شیوه‌های جدیدی برای تولید اقتصادی انرژی اتمی پیدا کنیم و شاید هر چه زودتر با استفاده از راکتورهای اتمی این منظور عملی شود و روشنائی از این طریق تأمین گردد . قطارهای ما با این نوع انرژی بحرکت در آید کارخانه‌های ما از این انرژی استفاده کنند.»

خوب ، این اوامر شاهنشاه است : اهمیت فوق العاده دارد معظم له دورنگر هستند مطالبی را عنوان می‌فرمایند و آینده نگری زیادی دارند بنده خودم در مصاحبه های مطبوعاتی معظم له که در سال ۳۶-۳۷-۳۸ شرکت داشتم راجع به پتروشیمی و درآمد نفت و چه و چه اشاراتی می‌فرمودند که برای ما واقعاً تعجب آور بود . ولی بعد دیدیم که همه آنها جامه عمل پوشید و به تحقق پیوست اما در فرمایشات جنابعالی اینطور دیدم که در هیأت دولت گفته شده ما کارخانه برق اتمی می‌گذاریم ولی شما عنوان کرده بودید برنامه خوبی است هم من موافقم و هم مخالف هستم خیلی برنامه مدرنی است . این فرمایش جنابعالی است شاید هم اشتباه شده باشد . آخر چطور ممکن است آدم هم مخالف باشد هم موافق .

**رامبد** - مسائل علمی و فنی را باید اهل علم مطالعه و بررسی کنند اگر بصره مملکت بوده ما منظور که شاهنشاه فرمودند اجرا خواهد شد و گویا گزارش بحضور شاهنشاه تقدیم شده که بصره ملت ایران است و همه موافق هستیم .

**دکتر الموتی** - و اما صبح آقای عبدالحسین طباطبائی فرمودند که تلویزیون را ببندید . البته در مورد خودشان فرمودند و مقام معظم ریاست هم دستور فرمودند که تصویر و مطالب ایشان گرفته نشود . تلویزیون برای این نیست که بنده را نگاه کنند . خود شما شاهدید که

تلویزیون يك ماه است که از بنده و آقای رامبد خواسته است که برویم مصاحبه کنیم و در پیشگاه ملت ایران حرفهایمان را بزنیم . بنده هم موافق بودم ولی جناب آقای رامبد موافقت نفرمودند . ما حرفی نداریم که پرده پوشی کنیم . مطالب باید بنظر مردم ایران برسد بخدای لایزال من از صمیم قلب ، روی اعتقاد حمایت از این برنامه های مملکت می‌کنم چون معتقدم این برنامه ها این مملکت را بجلو میبرد . توجه بفرمائید شما يك روزنامه منتشر کردید ، به ببینید باچه اشکالاتی مواجه هستید ، حال قیاس کنید کار مملکت کار مشکلی است . مملکتی با آن وضعی که قبل از انقلاب داشته و حالا با این برنامه های خیلی درخشان شاهنشاه ما ، و بالاخره این دولتی است که افتخار انجام این خدمت را پیدا کرده مسلماً اشکالاتی دارد باید کوشش کنیم تا موفق شود البته من ایراد شما را هم کمک میدانم ولی ایراداتی باید باشد که هشداری به دولت بدهد . در این چند روزی که در خدمتتان هستیم دوستان حزب مردم ، بعد از آنهمه مطالبی که شنیدیم که مطالعاتی شده ، حزب حرکت کرده و خوشحال هم شدیم فکر کردیم بایک برنامه مدون و تنظیم شده مطالبی مطرح خواهید کرد و ما هم استفاده می‌کنیم اما دیدیم که به تلویزیون ایرادی گیرید . البته ایرادی هم من خودم به تلویزیون دارم مثلاً دیشب ساعت ۱۲ شب تا بلوی مجلس ۱۶۳ نفرانشان می‌داد و همکار تلویزیونی بنده صندلی های خالی را نشان میداد . بنده خودم روزنامه نگار هستم آقای دولو هم روزنامه نگار هستند . خوب می‌دانند مثلاً آقای دولو در روزنامه کاریکاتور اگر با کسی خوب باشند کاریکاتور او را قشنگ می‌کشند و اگر بد باشد آنچنان می‌کشند که آدم جرأت نمی‌کند آن مجله را بخانه اش ببرد . خوب این کار ظریف روزنامه نگاری است تلویزیون الآن میتواند آن گوشه مجلس را که کسی ننشسته بگیرد ولی اینجاصندلی ها پر است خوب ، عزیزم این طرف رانشان بده . و الآن تا بلو ۱۶۰ نفر رانشان میدهد ( به متصدیان دستگاه های تلویزیون ) مخصوصاً خواهش می‌کنم این تا بلوی ۱۶۰ نفری را آنجا نشان بدهید منظور من اینست جناب آقای رامبد خوشبختانه طبق آماري که ما داریم مطالب اقلیت را بیش از اکثریت

منتشر کرده‌اند. بهر حال اینها مطالبی است که گاهی پیش می‌آید البته گفتن با تجلیل از خدمات تلویزیون و وسائل ارتباط جمعی باز هم مایباید بخواهیم که بیابند و از مجلس انقلاب و این برنامه‌هایی که اینجا بحث میشود تصویر بگیرند و منتشر کنند. نامردم بدانند که در این مجلس انقلاب که واقعا نمایندگان اصلت دارند و همه فرزندان انقلاب این مملکت اند و شب و روز کار میکنند و زحمت می‌کشند (صحیح است) به عشقی که به شاهنشاه دارند ملت ایران باید در جریان باشد و فکر نکنند ما نشسته‌ایم اینجا و مقام ریاست اعلام رأی میکند و مایباید قیام و قعود لوایح را تصویب میکنیم. البته در مراحل آخر اینطور هست ولی باید بدانند که لوایح در کمیسیونها کاملاً مورد بررسی دقیق قرار میگیرد. حالا نمیدانم چرا آقای طباطبائی عزیز نمی‌خواستند قیافه‌شان در تلویزیون دیده شود اتفاقاً يك قیافه سمپاتیکی هم دارند. و من تشکر میکنم از آقای دکتر دادفر رئیس کمیسیون بودجه و آقای صدری کیوان مخبر کمیسیون بودجه و آقای اکبر مسعودی که این مطالب بودجه را تنظیم کردند و از اعضای کمیسیون بودجه که در ۳۰ جلسه ۴ ساعت آنجا نشستند و تمام مقامات مملکت که در امور مالی دخالت داشتند همه را خواستند و رسیدگی دقیق کردند. ممکن است توی دستگاه مملکت يك دستگاه مالی هم خوشش نیاید ولی این مجلس ایران است و وظیفه اش دخالت در خرج و دخل مملکت است و اولین روز، جناب آقای نخست وزیر بنام مقامات مملکت دستور دادند که کمیسیون بودجه هر کس را خواست باید بیاید و توضیح بدهد.

**رامبد** - این وظیفه قانونی است که بیابند و توضیح بدهند آقای نخست وزیر دستور بدهند بیابند برای مجلس فرقی نمی‌کند هر کس را مجلس احضار کرد باید بیاید.

**دکتر الموتی** - آقای رامبد حضرتعالی آنجا نشسته‌اید منتظرید يك کلمه ای پیدا کنید، قربانت گردم مجلس ایران وظیفه دار است می‌تواند نظارت هم بکند. بودجه را هم کم و زیاد بکنند هیچ عیبی ندارد نخست وزیر مملکت که دموکرات هم است دستور بدهد بهمکاران که بروید ببینید کمیسیون بودجه هر توضیحی میخواهد

بدهید. منم باید واقعت را عرض کنم. پس کی باید بگویند که ۳۰ جلسه ۴ ساعت این اعضای کمیسیون بودجه روی این بودجه زحمت کشیدند آقای فخر طباطبائی هم که از اقلیت هستند تشریف داشتند. این آقای اکبر مسعودی اینقدر زحمت کشیدند که من در روزهای آخر متوجه شدم که چشمهای ایشان ناراحت بود. همه باید بدانند که در اینجا چه گذشت. باید یادآوری کرد. هر سال دولت بودجه را آورده، ما هم بودیم جناب آقای رامبد، تشریف آوردید فرمایشاتان را کردید. عده‌ای که از قدیم بودند عده‌ای هم که جدید آمدند. همیشه مطالبی اظهار کرده‌اید. يك مقداری از آنها قبول شد يك مقدارش هم خودتان می‌دانید خیلی قابل اجرا نیست. خوب، بیان کردید. وظیفه اقلیت است. اینجا یادداشتی دارم که در سال ۳۵ بودجه ما ۱۴ میلیارد در آمد بود و هزینه شد ۱۹ میلیارد. نخستین بودجه دولت جناب آقای هویدا ۱۷۶ میلیارد و امسال ۱۰۸۶ میلیارد این يك سند افتخار است برای يك مملکت که میتواند این را ارائه بدهد روزی که آقای نخست وزیر اولین بودجه را آوردند و جناب آقای رامبد هم مخالفت فرمودند بودجه چه بود؟ ۱۷۶ میلیارد بود. این همان دولت است که بودجه مملکتی را آورده هزار و هشتاد و هشت میلیارد البته همانطور که عرض کردم همه آنها مهربون فداکاری و رهبری شاهنشاه است اما دولتی هم در اجرای نیات شاهنشاه تلاش کرده و زحمت کشیده تا ما بيك چنین نتیجه درخشانی رسیدیم. این را بنظر من باید تلویزیون بملت ایران ارائه بدهد که همه یادشان باشد و بدانند که آن رقم چقدر بوده و حالا چقدر است. آنوقت مردم ایران احترامشان بمملکت و دولت و قوه مقننه و همه کسانی که خدمت می‌کنند بیشتر خواهد شد.

حالا از این مهمتر بودجه سال ۵۲ نسبت به سال ۵۳ سی و دو درصد اضافه شده. در کجای دنیا این را سراغ دارید؟ که ۲۰ درصد در آمد مملکتی از سال قبل بیشتر باشد. من که نمی‌دانم، شاید آقای احمد اقبال که در کشورهای مختلف سفیر بوده اند بدانند باور کنید آدم وقتی این کتابچه‌ها را میخواند حیرت می‌کند. همین گزارش که آقای صدری کیوان تهیه کرده ۴۰ صفحه است. واقعا تحسین انگیز

است اعضای کمیسیون بودجه و آقای صدری کیوان خیلی زحمت کشیدند. آقای رامبد آیا این بی‌انصافی نیست که فریاد بکشید سر صدری کیوان که نخونده‌ای :

آقا جان خوانده‌است، بلد است، از حفظ است بگویند جواب می‌دهد و از زبان لیدر محترم اقلیت در این تندنویسی چیز غلطی نباید بجا ماند. اینست که باید ما توجه داشته باشیم مامی بینیم اولویت داده شده به امور اقتصادی ۳۱ درصد امور دفاعی ۲۸ درصد، امور اجتماعی ۱۸/۵ درصد، بقیه کارها ۳۲ درصد. رقم هایش هم هست ریزش هم است اما با تمام این حرفها باید يك حرف را بشما بگویم. راجع به دفاع مملکت فرمودید منم موافقم. ما معتقدیم دفاع مملکت بیش از اینها باید بآن توجه شود در این گزارشات هم باید بیشتر به آن عنایت میشد. امروز فرد در ملت ایران معتقد به تقویت نیروی دفاعی شاهنشاهی ایران است (احسن - احسن) ارتش ما محافظ حدود و ثغور مملکت ماست. هر اندازه ما به ارتش ایران کمک کنیم بنظر من وظیفه‌مان را انجام نداده‌ایم. باید ارتش ما نیرومندتر شود. يك کشوری که اینطور جهش و پیشرفت دارد، در مقابل این غولهای نفتی و امثالهم نمی‌هراسد و رشیدانه قیام می‌کند بيك چنین دولت ملت و مملکت باید ارتش نیرومند داشته باشد. در گزارشی که بمجلس داده میشد باید بیشتر بحث میشد. بنده برای اطلاع خودم با دستگاه‌های دفاعی مملکت تماس گرفتم گفتیم من می‌خواهم در مورد ارتش چیزی بگویم هر چه خواستم در اختیارم گذاشتند و من بيك خلاصه‌ای تهیه کردم از وضع ارتش شاهنشاهی ایران ما باید بدانیم این ارتش که امروز در مملکت ماست و مجهز به آخرین وسائل علمی و تکنیک است این ارتش همان ارتشی است که وقتی لایحه دفاعی آن می‌آید همه ما از آن دفاع میکنیم و همه با اتفاق آراء به آن رأی میدهیم. همیشه در مورد شما با ما همکاری دارید و همصدا هستیم. ۱- مسأله دفاع ۲- مسأله نفت که با ما همصدا و هماهنگ بودید که تشکر میکنم که وظیفه خود را صحیح انجام دادید. ما همه از ملت الهام می‌گیریم ما می‌بینیم اختصاص بودجه برای دفاع ۲۱۴ میلیارد است که نسبت بسال جاری ۲۸ درصد اضافه شده است. طبیعی است

ارتش ما میتواند بیشتر از پیش چه از نظر نیروی انسانی و چه از نظر تجهیزات دفاعی آماده‌تر شود. در این مورد مطلبی نوشتم که خدمتتان عرض می‌کنم.

۱- در دوران سازندگی و انقلاب صنعتی کشور که با هدایت و رهبری شاهنشاه بزرگ ما در همه شئون ملی (اعم از صنعتی، کشاورزی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک) به تبعیت از سیاست مستقل ملی دنبال میشود، مهمترین ضامن و پشتوانه اجرائی آن دارا بودن يك ارتش نیرومند، مقتدر، مترقی و کار آزموده است.

۲- ارتش نوین شاهنشاهی ایران در نیم قرن پیش نخست برهبری اعلیحضرت رضا شاه کبیر سردودمان سلسله پهلوی بنیان گذارده شد و سپس سیر مراحل تکامل و پیشرفت نظامی را در دوران پرافتخار سلطنت شکوهمند شاهنشاه آریامهر بتدریج پشت سر گذارده و مراحل پیشرفت را تا حد يك ارتش مجرب یکی پس از دیگری با موفقیت پیمود بطوریکه ارتش شاهنشاهی ایران اینک سرفراز است که در انجام رسالت ملی و تاریخی که به عهد دارد و برقراری این امنیت و ثبات عمومی در فلات پهناور ایران نقش اساسی خود با موفقیت ایفاء نموده و در طول تاریخ پرافتخار خود بکرات توانائی، کار آئی و کار آزمودگی خویش را بشیوب رسانده است.

۳- ارتش شاهنشاهی ایران به پیروی از ایدئولوژی باستانی و آئین کهن شاهنشاهی خویش که گرمای ترین سرمایه بیست و پنج قرن تاریخ پرافتخار این کشور است در حفظ استقلال و تأمین امنیت ملی تنها به نیروی همه جانبه ملی و ایمان و فداکاری افسران، درجه داران و سربازان از جان گذشته خویش و قابلیت و کار آئی ارتش مترقی ملی متکی بوده و معتقد است سرزمین پرافتخار ایران زمین و حدود و ثغور مرزهای مقدس ما جز در سایه سرنیزه‌های سربازان ایران حفظ و حراست نخواهد شد.

۴- خاطر نمایندگان محترم آگاه است که امروزه در عصر برتری تکنیکها و پدیده‌های علمی، ماشینهای جنگی جهان نمیتوانند بدون توجه به مسائل علمی و دانشهای نوین، هنر جنگ را در صحنه‌های نبرد با موفقیت

و کامیابی بکار برند و برای اینکار و تفوق بردشمن که سلاحها و تکنیکها و تاکتیکهای جدید از یک سو و انواع جنگ افزارهای الکترونیک از سوی دیگر مجهز است جز با کاردانی و برتری سلاحها و دانش و بینش در همه زمینهها میسر نخواهد بود. نگاهی اجمالی به آنسوی مرزهای ملی، روشنگر کیفیت واقعی این حقیقت میباشد و ارتش شاهنشاهی ایران نمیتواند و نباید نسبت باوضاع ژئوپولیتیکو جهان بی تفاوت مانده و از اندیشه پیشرفت و تکامل در همه پدیدههای دفاعی فارغ البالی بماند.

۵- دانش و تکنیک جنگهای کنونی، سیستم، کاربری و تنوع جنگ افزارهای دفاعی در طی ۱۰ سال گذشته چنان تحول شگرف و عظیمی حاصل نموده است که صرف نظر از اعتبارات و منابع هنگفت مالی که برای آن بمصرف میرسد انتخاب پرسنل، آموزش و احراز تخصص توسط آنها خود دشواریهای عظیمی را در بردارد.

برای تهیه پرسنل و ورزیدگی خدمه و پشتیبانیهای لجستیکی صرف نظر از هزینههای بالا چه منابع هنگفتی از نظر ذخیره عملیاتی، ضایعات و غیره بایستی به این رقم افزوده شود.

۶- در این رهگذر خط مشی و شیوه دفاعی ارتش شاهنشاهی فرمان همایونی است که مقرر فرموده اند ارتش شاهنشاهی ایران بعنوان یک نیروی صلح طلب بایستی از نظر کمی و کیفی آنچنان با سلاحها، جنگ افزارها، دانش نظامی، تجربه و کارآئی لازم را حاصل نماید که بصورت یک نیروی نظامی بازدارنده و همواره آماده دفاع از مرز و بوم ملی و حفظ صلح در این منطقه از جهان باشد.

۷- از سوی دیگر ارتش شاهنشاهی به پیروی از سیاست صلح جویانه شاهنشاه آریامهر معتقد است بمصداق آنکه «صلح جز در سایه سرنیزه سربازان و جانبازان ملی پایدار نخواهد ماند». باید همواره در پیشرفت و بهبود قدرت و آمودگی جنگی و دفاعی خویش کوشا بوده و در جهت نیات عالی فرمانده بزرگ و مفخم خود هر روز گام تازه ای را در راه اعتلاء و پیشرفت

بردارد تا جائیکه در اواسط دوران برنامه پنجساله بی تردید بصورت یک قدرت نظامی باز دارنده تکامل یافته و در حفظ ثبات و آرامش بمنظور ایجاد زمینه پیشرفت و تعالی ملت ایران که ناشی از اجرای برنامه های مترقیانه در راه نیل به هدفهای انقلاب شاه و ملت است نقش اساسی خود را بازی کند.

۸- برای روشن شدن ذهن نمایندگان محترم اکنون شمه ای از هدفها و مأموریتهای اساسی و سیر تکامل نیروهای مسلح شاهنشاهی را با قیاس بشرابط ۱۰ سال قبل (سال ۱۳۴۲) باستحضار خواهیم رسانید.

### الف- نیروی زمینی شاهنشاهی:

(۱) نیروی زمینی شاهنشاهی همگام با پیشرفت تاکتیک و تکنیک جنگهای زمینی اقدامات مؤثری در جهت بالا بردن آموزش افسران و درجه داران خویش معمول داشته است امروز متجاوز از نیمی از کادر آموزشی افسران و نزدیک به ۳۰٪ درجه داران و متخصصان جنگ افزارهای نیروی زمینی شاهنشاهی برای فراگرفتن دانش نوین نظامی، احراز تخصصهای گوناگون دفاعی از بهترین دانشگاهها و آموزشگاههای ارتشهای متمدنی جهان فارغ التحصیل میباشند و این افسران و درجه داران که هسته مرکزی و شالوده ارتش نوین شاهنشاهی را تشکیل میدهند. قادرند صنعت و هنر جنگ را در شرایط و وضعیت مختلف اقلیمی کشور، سردسیر، گرمسیر، صحرا و کوهستان نقش دفاعی خویش را با قدرت ایفاء نمایند.

۲- انواع جنگ افزارهای نیروی زمینی شاهنشاهی از کیفیت سلاحهای نیمه خودکار، سنگین و حجیم جنگ افزارهای مؤثر تمام خودکار، کم حجم و قدرت آتش فوق العاده با برد و دقت بیشتر بطور خود کشتی و همه زمینی تغییر یافته و بانواع هدفها و ادوات نشانه گیری الکترونیکی و سیستم دید شبانه مجهز گردیده است.

(۳) یکانهای ضربت زرهی نیروی زمینی شاهنشاهی با مؤثرترین و جدیدترین انواع تانکها و ادوات زرهی جهان مجهز به سیستم نشانه گیری خودکار لیزر و سیستم های ضد زره موشکی از نوع جدیدترین موشکهای ضد تانک مجهز بوده و از نظر تسریع و کارآئی در صحنه های نبرد و تأمین اصل

غافلگیری و تخریب روحیه خصم با انواع وسائل و ادوات سریع پل گذاری برای عبور از موانع و بریدگیها مجهز بوده و قادر است هدفهای ایسای خویش را در قلب نیروی دشمن بسادگی تسخیر نماید.

(۴) ترابری و گسیل سربازان از پادگانها بمواضع رزم و درون صحنه های عملیات بجای حرکت پیاده بصورت، توری (برروی کامیونهای نظامی و نفربرهای زرهی) انجام شده و بدینگونه بهنگام ضرورت، افراد رزمنده همراه با وسائل و جنگ افزارهای سنگین و مؤثر دفاعی با قدرت آتش مؤثر و سرکوب خواهند توانست در اندک زمانی در مواضع رزمی مقدم آماده دفاع و پاسداری مرز و بوم کشور و مواضع حساس و دفاعی بوده و نه تنها نقش دفاعی خویش را با موفقیت انجام دهند بلکه قادرند هرگونه تهدید کلی و جزئی و ظرفیت نظامی نیروی متجاوز را فرسنگها قبل از نزدیک شدن بمرزهای کشور شاهنشاهی در خاک دشمن خنثی نمایند.

(۵) نیروی زمینی شاهنشاهی برای انجام فعالیتهای شناسائی محلی، حمل سربازان بصحنه های دور افتاده و مجزاشده و فرود از راه هوا هم اکنون دارای یک سازمان مؤثر و کار آزموده هوایی مستقل بنام هواییاتی نیروی زمینی شاهنشاهی است که با انواع هواپیماهای سبک و هلیکوپترهای مخصوص مجهز بوده و در هر لحظه آماده است نیروهای رزمی را با استعداد یک گردان تاکتیکی را از راه آسمان در مناطق حساس دشمن پیاده نموده و بتصرف هدفهای حیاتی در قلب صحنه عملیات مبادرت نماید.

(۶) علاوه بر یکانها و واحدهای مختلف رزمی و پشتیبانی رزمی (مهندسی، مخابرات تعمیر و نگهداری، تدارکات و ترابری و غیره) نیروی زمینی شاهنشاهی مجهز بیک سازمان بسیار مؤثر رزمی و هجومی بنام تیپ هوایر و تیپ نیروهای ویژه هوایر می باشد. نیروهای مزبور با ورزیدگی و آمادگی رزمی ویژه خود و تعلیمات مخصوصی که دراستاندارد بهترین نیروهای مشابه جهانی اندوخته اند همواره آماده اند با تجهیزات و جنگ افزارهای مؤثر ضربتی و غافلگیر کننده خود در هر نقطه از منطقه خطر حتی خارج از حدود و ثغور کشور شاهنشاهی هرگونه

تجمع یا تمرکز قوای متخاصم را در نطفه درهم شکسته تأسیسات و منابع لجستیکی آنان را نابود و یکسره منهدم نمایند.

ب- نیروی هوایی شاهنشاهی:

(۱) نیروی هوایی شاهنشاهی طی دهساله گذشته تحول و پیشرفت چشم گیری در جهت توسعه و بهبود حاصل نموده است این نیرو که در سال ۱۳۴۲ تنها به چند واحد هواپیمای شکاری، شناسائی و آموزشی از نوع ملخ دار و چند فروند هواپیمای جت اولیه مجهز بوده، اینک به تازه ترین و مدرن ترین انواع هواپیماهای جت مافوق سرعت صوت مجهز میباشد که با شعاع عمل فوق العاده و قدرت آتش مؤثر و گسترش منطقی در دورادور کشور شاهنشاهی آمیخته است هرگونه تجاوز هوایی دشمن را درهم شکسته و با احراز برتری هوایی در آسمان نقش پشتیبانی کامل از نیروهای سطحی را (در زمین و دریا) ایفاء نموده و موفقیت دین نیروی دیگر را در نیل به هدفهای عالی ملی تأمین و تضمین نماید.

(۲) اسکادرانهای مجهز و متنوع هواپیماهای نیروی هوایی شاهنشاهی از نوع گردانهای شکاری، بمباران، شناسائی، ترابری ضد اغتشاش آموزشی با بهترین انواع هواپیماها و ورزیده ترین پرسنل نه تنها در خاور میانه بی رقیب و در سراسر جهان روی آن خیلی حساب میشود و خلبانان ورزیده و کار آزموده جوان و پر خون این نیرو همواره آماده اند نقش مدافعان آسمان کشور را با موفقیت و کامیابی مطلق ایفاء نمایند. بفرمان مطاع ملو کانه برای بالا بردن قدرت عملیاتی واحدهای شکاری بمباران پیش بینی های لازم برای سوختگیری در فضا فراهم آمده و بدین ترتیب شعاع عمل هواپیماها چندین برابر افزایش یافته است.

(۳) در حدود ۹۰٪ کادر افسری برگزیده و مجرب نیروی هوایی شاهنشاهی و بیش از ۸۰٪ کادر جوان درجه داری و تخصصی این نیرو از دانشکده ها و انستیتوهای خلبانی و فنی کشورهای آمریکا و اروپا فارغ التحصیل شده و به بهترین تکنیکهای پرواز و اصول نگهداریهای فنی آشنا میباشند.

(۴) نیروی هوایی شاهنشاهی مصمم است از آغاز ۱۳۵۳ خود دانشکده خلبانی مستقل در کشور بوجود آورده

ونخستین محصول مجرب این دانشکده همراه بانخستین فرآورده‌های هواپیماهای سبک و هلیکوپترهای جدید آن از آغاز سال ۵۴ تقدیم کشور شاهنشاهی خواهد شد.

۵- نیروی هوایی شاهنشاهی دارای یک سیستم مؤثر دفاع ضد هوایی نیز میباشد. این قسمت شامل سیستم اعلام خطر هوایی و سیستم توپخانه پدافند هوایی مشتمل بر سیستم موشکی (تابکرکت) راپیرو سیستم پیشرفته (هالک) میباشد.

سیستم اعلام خطر هوایی این نیرو شامل شبکه رادارهای مراقبت سرتاسری رادارهای تجسس فوری، رادار ارتفاع پست و رادارهای کرانه‌ای میباشد که با پرسنل کارخان خود قادر است علاوه بر حفظ و حراست سراسر مرزهای شاهنشاهی هرگونه تجاوز و حرکت هواپیمای خصم را فرسنگها قبل از ورود به مرزهای شاهنشاهی بطور خودکار به یگانهای هواپیماهای شکاری و تاکتیکی اعلام نماید تا بتوانند با انجام عملیات ردگیری در ماورای مرزهای شاهنشاهی قبل از ایراد هرگونه خسارت به تاسیسات و شهرها و مناطق تجملی رزمی مالجستیکی آنها را نابود و خنثی سازند.

۶- نیروی دریایی شاهنشاهی:

۱- پیشرفته‌ها و ترقیاتی که طی دهساله گذشته نصیب این نیروی جوان و فعال کشور شاهنشاهی شده است همچنین هدفها و برنامه‌های توسعه و نوین سازی این نیرو که در طی دوران برنامه پنجساله دفاعی آینده پیش بینی شده است بسیار شگفت آور و خارق العاده است.

۲- نیروی دریایی شاهنشاهی که دامنه و وسعت ناوگان آن در سال ۱۳۴۲ از چند ناوچه سبک ساحلی، چند فروند ناو مین جمع کن و چند قایق گشتی تجاوزنمینوده در آستانه سال ۱۳۵۳ از حدود یک نیروی دریایی ساحلی بیک نیروی دریایی مؤثر و نیرومند منطقه‌ای در خلیج فارس و دریای عمان تکامل یافته و متضمن انواع ناوهای جنگی مؤثر از دسته رزمناوها ناوشکنها، ناوهای پاسیور، ناوهای لجستیکی (سوخت رسانی مخزن آب، تعمیرگاه سیار) ناوهای مین روب و مین شکار، ناوهای ضد زیر دریایی و ناوچه‌های گشتی و نیروبر خواهد بود علاوه بر این یگانهای شناور مؤثر که عظیمترین نیروی دریایی در این قسمت از جهان بشمار میرود نیروی دریایی

شاهنشاهی چند یگان از نوین ترین واحدهای شناور تاکتیکی سفارش داده است که در اواسط دوران برنامه پنجساله جاری همراه با پرسنل متخصص و کارخان بآب افکنده خواهد شد.

۳- پرسنل کارخان و مجرب این نیرو از میان بهترین افراد فنی کشور انتخاب و پس از سالها تحصیل در دانشگاههای دریایی آمریکا، انگلستان و ایتالیا و طی دوره‌های تحصیلی پیچیده دریایی بکشور مراجعت و فرماندهی ناوگان شاهنشاهی را عهده دار میگردد کادر رزمی این نیروی عظیم و مؤثر با سر بلندی و غرور کامل عهده دار خدمت مقدس سربازی در آبهای سوزنده خلیج فارس و دریای عمان بوده و قادرند هرگونه تحرک و تجاوز استراتژیکی دشمن را مایلها قبل از ورود به آبهای ایران زمین در قلب دریاها و اقیانوسها درهم شکنند.

۴- علاوه بر یگانهای شناور پیش گفته شده که در طول پایگاههای متعدد و مؤثر خود در کرانه‌ها و جزایر خلیج فارس و دریای عمان گسترش یافته اند این نیرو مجهز بمدن ترین تاسیسات کرانه‌ای اسکله‌های نظامی و تعمیرگاهها و حوضهای شناور است که با صرف هزینه‌های سرمایه‌ای کلان و زمان طولانی تهیه و بنا ساختن- های مجهز آماده انجام هرگونه تعمیرات در زمینه‌های مختلف تکنولوژی کشتی سازی و بکار بردن ادوات فنی گوناگون الکترونیکی میباشد.

۵- نیروی دریایی شاهنشاهی همچنین دارای ناوگان و پایگاههای لازم در کرانه‌های دریای مازندران برای اجرای مأموریت‌های شناسائی و تأمین آموزش مدافعان دریایی میباشد و این نیرو مصمم است در آینده دانشگاه دریایی مستقل و پیشرفته‌ای را در این منطقه ایجاد نماید.

خاطر نمایندگان محترم بخوبی آگاه است که تأمین این دانشکده با در نظر گرفتن تکنولوژی پیچیده و دانش عالی مورد نیاز در این سطح، باچه دشواریهای عظیمی از نظر هزینه، استاد، متخصص و لوازم دانشگاهی مواجه است.

۶- نیروی دریایی شاهنشاهی برای دفاع از کرانه‌های وسیع کشور بویژه خلیج فارس و دریای عمان

و حمایت از سرمایه‌ها و منابع زیر زمینی و حراست هدفهای ملی در کرانه‌های خلیج فارس مجهز سیستم دفاع ضد آبخاکی با سلاحهای ضد هوایی و دفاع ساحلی بوده و مجهز به انواع هلیکوپترهای موشک دار و توپهای ضد هوایی قوی و تسهیلات هجومی و یگانهای هوا دریا ویژه پیاده کردن نیرو در کرانه‌ها میباشد که در هنگام ضرورت آماده هر نوع واکنش عملیاتی در برابر دشمن احتمالی در هر موقعیت و وضعیت خواهد بود.

۷- با تربیت و آمادگی گردانهای نکاور دریایی و تهیه و خرید انواع ناوهای هجومی ویژه پیاده کردن نیرو (Landing Craft) امکانات لازم برای استقرار سریع نیروها در هر یک از جزایر و کرانه‌های خلیج فارس فراهم گردیده است با برقراری سرویس‌های شهری و عمرانی جزایر و تأمین تسهیلات شهری و آب شیرین در جزایر ایرانی خلیج فارس نیروی دریایی شاهنشاهی صرف نظر از اجرای هدفهای نظامی در بهبود زندگی جزیره نشینان و هموطنان محروم در آبهای خلیج فارس کوشا و مفتخر است (احسن - احسن).

چون جناب آقای رامبد معتقد بودند که در آن گزارشها مطالبی نیست لازم بود بنده این مطالب را به عرضتان رسانده باشم.

**رامبد** - من متشکرم که بجای نماینده وزارت جنگ جنابعالی زحمت کشیدید.

**دکتر الموتی** - بنده افتخار می‌کنم که این گزارش را بمجلس داده‌ام.

**رامبد** - همه ایرانیان از شنیدن چنین گزارشاتی خوشوقت میشوند. ولی این وظیفه دولت است در موقع خودش گزارشات را با اطلاع مجلس برسانند.

**دکتر الموتی** - البته روی سخنان شما باد دولت است و به بنده ارتباطی ندارد. اینجا اشاره شد از طرف دوستان اقلیت مسأله مالیات مستقیم و غیر مستقیم، من اینجا توضیح را لازم می‌دانم عرض کنم که از نظر علمی حرفی که درست است در یک جامعه مترقی و پیشرو مالیات مستقیم باید زیادتز از غیر مستقیم باشد برای اینکه خیلی

روشن است مالیات مستقیم بقول معروف بطور مستقیم هدف مالیاتی را تعقیب میکند و از کسی که درآمد بیشتر دارد باید بیشتر مالیات گرفت مثلاً مالیات غیر مستقیم معلوم نیست از چه کسی گرفته میشود قبلاً مالیات از قند و شکر را جناب آقای رامبد هم مصرف میفرمایند و هم آن کشاورز طالشی، و هر دو به یک میزان مالیات می‌دهند. منتهی به میزان مصرف و من باشما هم عقیده هستم ولی به نکته‌ای توجه کنید که بنظر من مهم است و من فکر میکنم آقای دکتر کاشفی که وزارت دارائی در این کتابچه توضیح داده است. این اسم مالیات مستقیم و غیر مستقیم که در گزارش دولت هست مالیات غیر مستقیم که ما در دانشگاه درباره آن می‌خواندیم فرق دارد. مالیات مستقیمش درست است ولی مالیات غیر مستقیم را ما از اتومبیل لوکس ۳۰۰ درصد گمرک و سود بازرگانی و از گذرنامه و غیره می‌گیریم و از سایر اشیای لوکس که وارد مملکت میشود. اینها همه جزو مالیات غیر مستقیم است. از آن هم مهمتر ۵/۵ درصد حق الثبت سفارش است که اینجا مطرح فرمودید ملاحظه بفرمایید اگر کسی که می‌خواهد اتومبیل لوکس بقول عباس میرزائی کشتی سوار بشود چه من باشم چه هر کس دیگر، این باید سیصد درصد مالیات بدهد.

این رقم از طبقه ثروتمند گرفته میشود اما قند و شکر تحمیل به طبقه فقیر است این نکته را قبول می‌کنم ولی قسمت قبلیش را به چه صورت امکان پذیر است؟ از مالیات غیر مستقیم جدا کرد مهم است و باید روشن بشود. معهد دولت تنها کارش این نبود چون شما فرمودید يك درآمد نفتی است که عطیه شاهنشاه و ملت ایران است اکتفا کند اما در عین حال دولت غافل نبوده از سایر منابع دیگر کشور که آنها را هم بالا برده است.

مالیات در سال آینده ۱۶۹ میلیارد پیش بینی شده. مالیات مستقیم ۶۷ میلیارد یعنی ۲۱ درصد افزایش داشته مالیات غیر مستقیم ۱۰۲ میلیارد یعنی ۲۷ درصد افزایش. نسبت بین مالیات‌های غیر مستقیم به مستقیم که از آغاز انقلاب چهار به یک بوده امروز این نسبت ۱۰/۵ تقبیل یافته است در غیر مستقیم گمرک و عوارض گذرنامه، سود بازرگانی، کالاهای لوکس، و کالاهای سرمایه‌ای، مواد خام هم هست. بنابراین بتدریج مالیات غیر مستقیم

همانطور که نظر شماست در مملکت ما پائین می آید و واقعیت هم اینست باید در این مملکت روز بروز عدالت اجتماعی بیشتر تأمین شود. صاحبان درآمدهای زیاد باید مالیاتهای خودشان را بدهند در این مملکت باید پولی که البته از درآمد نفت گرفته میشود، صرف کارهای سرمایه‌ای و تولیدی بشود. صرف کارهای زیر بنایی بشود. همه ما موافقیم ۸۰٪ در آمد نفت صرف این کارها میشود و باید از درآمد جاری مملکت حقوق و امثالهم تأمین بشود چرا؟ چون اگر ۳۰ سال دیگر نفت تمام شد با طبق نظر شاهنشاه ایران سیصد سال افزایش یافت و سالیان دراز طول کشید بهر صورت بعد از ۳۰ سال ما نمیتوانیم بدر آمد نفت تکیه کنیم باید منابع درآمد دیگری داشته باشیم چنانچه امروز ذوب آهن را داریم این سدها که اینجا خدمتتان عرض میکنم و صنایع دیگر داریم و میشود یک درآمد دیگر جانشین نفت شود این مطلب کاملاً صحیح است اما در این بودجه به کارمند و کارگر و طبقات کم درآمد کم شده است که البته ما موافقیم.

رئیس - آقای دکتر الموتی برای گندم و قند و شکر و گوشت هم کمک میشود.

**الموتی** - فرمایشات جناب رئیس صحیح است دولت در سال آینده ۱۷ میلیارد ریال کمک میکند که در حقیقت باید از مالیات غیر مستقیم کم شود حالا بان رقم کمک ۱۷ میلیارد ریالی هم میرسیم اینجا صحبت شد من خیال میکنم آقال فضائی بودند بایکی از دوستان دیگر که فرمودند آموزش و پرورش مجانی آب و برق مجانی و امثالهم البته ما آرزو میکنیم که مملکت ما بیک چنین روزی برسد که واقعا آموزش و پرورش برای همه افراد مملکت مجانی باشد ولی مادام که بودجه آموزش و پرورش مملکت به ۶۵ میلیارد ریال امروز رسیده و هنوز هم ممکن است تعدادی از روستاهای ایران وسائل تعلیم و تربیت مجانی برای افرادش نباشد اینکار امکان پذیر نیست رقمی که صحیح خانم جهانبانی فرمودند ۵۵ درصد فرزندان روستائی بمدرسه نمیروند باید قبلا کاری کرد که تمام افراد ایران بلا استثنا در شهر و روستا بمدرسه بروند و اولویت هم بمردم روستاها باید داد تمام فرزندان

روستائی ما اینها همه باید مدرسه داشته باشند وقتی هم که مدرسه داشتند و رفتند بعد می‌آئیم در زندگی شهری هم که یک مطالعه دیگری میکنیم در آن صورت باید مطالعه کرد و تصمیم گرفت ولی صحیح نیست که ما امروز بیائیم با این رقم ۶۵ میلیاردی که واقعا رقم فوق العاده خوبی است که با آموزش عالی ۷۵ میلیارد میشود ما بیائیم این رقم را بچندین برابر بالا ببریم سلسازی و کارخانه سازی و هزاران کار عمرانی دیگر را باید تعطیل کنیم چون اینها همه رقم دارد عدد دارد آنها که این مطلب را می‌آیند میگویند مطلب قشنگ است بهداشت مجانی برای همه اما از کدام محل آقای دکتر دادفر شما که تمام ارقام بودجه را یک ماه زیر و رو کردید و ارقام بودجه را کم کردید و زیاد کردید از کجا امکان دارد این رقم را اضافه کنید امیدوارم روزی امکانات مملکت با آنجا برسد ولی مادام که ما نتوانسته ایم برای همه افراد روستاهای مملکت آنها تکیه لازم التحصیل و مسائل تعلیم و تربیت برایشان فراهم سازیم این گفته فقط شعار است (صحیح است).

دولت ۱۷ میلیارد در سال ۵۳ برای اتوبوس برای گندم و چند رقم دیگر کمک میدهد برای اینکه ملت ایران در رفاه باشد برای اینکه ملت ایران بتواند اتوبوس دو ریالی سوار شود امروز در هیچ جای دنیا حتی در کشورهای سازنده اتوبوس دوریالی نیست ما هم موافق با افزایش بهای آن نیستیم و قتیکه اتوبوس از تهران بشمیران سه ریال و در شهر دوریالی است مسلماً نفع نمی‌کند ممکن است مدیریت غلط باشد چهار تا مدیر هم اضافه شوند ولی با آن رقم نمیشود اتوبوس دوریالی را اداره کرد، دولت این مطلب را قبول کرده کمک میدهد برای اتوبوس البته اگر در مدیریتش اشکالاتی هست باید اصلاح شود راجع بکارمندان من در ارقام وقتی یاد داشت میکردم بقول معروف آن تیرهایش را میخوانم چون وارد ریز مطلب نمیشوم البته من میدانم همه مان خوانده ایم بعکس شما که فکر میکنید هیچ کس نخوانده من فکر میکنم همه خواندند آدم از کتاب خوب ناشی از پیشرفت مملکت لذت میبرد آنچه که در این کتابهاست که پیشرفت های مملکت است خیلی آدم خوشش می‌آید راجع به تأمین اعتبار مرحله دوم قانون استخدام این جناب موسوی که شب روز در کمیسیون

استخدام زحمت میکشند و لایحه استخدام را شکافته مسئله اعطای یک پایه ترفیع بکارمندان را مفید میدانند این ارقام افزایش مبنای حقوق از پنجاه ریال به شصت ریال حداقل دریافتی کارمندان به هفت هزار و پانصد ریال و افزایش بیست درصد بحقوق بازنشستگان - اختصاص ۶۰۰ میلیون ریال بخواربار کارمندان و ازدیاد آن خیلی خوب بود ببینید آقای رامبد یک چنین رقمی در لابلای این ارقام بودجه دولت که بفکر همه کارمندان است بفکر قاضی و فرهنگی و آن کارمندی که رسمی هم نبوده بعلاوه بفکر بازنشسته ها هم بوده هیچوقت سابقه نداشته در این مملکت فقط در این چند سال اخیر است که یک ارقام جدیدی برای بازنشستگان در نظر گرفته میشود خوب اینها هم هستند ما در حزب می‌بینیم این گروهها در حزب ما هستند حوزه دارند تشکیلات دارند، با آنها آشنا هستیم از این اقدامات راضی هستند چون دائم با آنها سروکار داریم مطلب هم این نیست که ما بیائیم برای دلخوشی کارمندان و قضات و کارمندان و غیره در مجلس بیائیم دو صد درصد حقوق اضافه کنیم اینها باید بر اساس ضوابط منطقی باشد ما نباید خودمان بیائیم یک وعده هائی بمردم بدهیم که برای ما اجزایش مقدور نبوده باشد من دیدم اینجا راجع بکارگران صحبت میکردید دوستان عزیزم آقای عباس میرزائی، قدردان، صائبی همه دوستان اینجا که شب و روز با کارگران در تماس هستند مسلماً این دوستان عزیز کارگرمایا بدر دلد کارگران خودشان بیشتر از من وارد هستند من خودم را میگویم عباس میرزائی و قدردان و حیدر صائبی بیشتر از من میدانند احساسات کارگر را و من می‌بینم شب و روز دنبال احتیاجات کارگران هستند ما باید آنها را تقویت کنیم تا اینها بتوانند به این طبقه شریف مملکت که از شاهنشاه بزرگ ما کلمه لقب شریف گرفتند با آنها بیشتر کمک بشود ارقامی دیدم که وزارت کار و بیمه های اجتماعی و بانک رفاه کارگران چقدر برای رفاه کارگران در دوره انقلاب اقدام کرده اند سهم شدن کارگران در سود کارخانه ها و آموزش فرزندان کارگر، بیمه های اجتماعی و دادن وام مسکن و صدها طرح و برنامه دیگر. اینجا بد نیست که اشاره ای بکنم بکار بیمه های اجتماعی دوست

عزیزم جناب زهتاب فرد فرمودند این بیمه های اجتماعی هم یک بلائی شده یا یک مشکلی شده خوب البته ممکن است کسیکه میخواهد حق بیمه بدهد مشکل باشد ولی مملکتی که در حال انقلاب پیش میرود مملکتی که مترقی است این مملکت وسیله درمان میخواهد باید همه افرادش بیمه بشوند بیمه هم خرج دارد بعکس آقای دکتر رئیسی که گفتند برویم در آمد دهقان را زیاد کنیم که ویزیت پزشکان زیاد بشود این منطق ما نمی‌تواند باشد که بگوئیم پول بدهیم بروسائیان تا بدهند بپزشک؟ من نمیدانم چطوری میشود این را تلقی کرد روستائی مملکت باید از درمان مجانی استفاده کند اما بیائیم امکان این کار تا چه حد هم هست مملکتی که احتیاج بسی هزار پزشک دارد و حدود ۹ هزار پزشک در آن فعالیت دارد که اکثرشان هم در تهرانند و عده ای هم خوشبختانه در مجلس هستند بهر صورت ببینید ما باید نیروی انسانی هم داشته باشیم من در خیلی جاهای بینم واقعا شیر و خورشید و سازمان شاهنشاهی درمانگاه میسازند زحمت میکنند اما نیروی انسانی نیست. در الموت حوزه انتخابی خودم ما دو سال تلاش کردیم تا یک پزشک پیدا کردیم و از این آقای دکتر فروزین من خیلی ممنونم که یک پزشک برای دهقانان الموت فرستاد جای خوب. حقوق خوب ولی پزشک نیست ما نباید وسائل و امکانات را فراهم بکنیم سازمان بیمه های اجتماعی هم تنها کارش درمان نیست مستمری هست بازنشستگی هست از این ۱۸ درصدی که میگیرد باید تمام اینها را تأمین بکند الان طبق آمار که در اختیار من هست یک میلیون و هفتاد و شش هزار کارگر بیمه شده اند که اگر متوسط اینها را با خانواده شان در نظر بگیریم بین چهار میلیون تا چهار و نیم میلیون نفر کارگر و خانواده آنها در این مملکت بیمه هستند قانون بیمه های اجتماعی کشاورزان هم گذشته البته اجرای آن کار مشکلی است چون اینجا کارخانه هست میشود رفت بامدیران کارخانه صحبت کرد و آن ۱۸٪ را گرفت ولی کشاورز متفرق است و در دهفت پراکنده میباشد. البته حق بیمه اش هم کمتر است در کارخانه میشود در مانگاه درست کرد ولی برای کشاورز تهیه در مانگاه مشکل تر است اما آنها برنامه اش تنظیم شده و اینجا مطرح شد ما خودمان تصویب کردیم.

و آن چیزیکه شما عقیده ندارید ولی ما عقیده داریم و آن حکومت عدد است که وقتی قانون تصویب شد برای همه افراد مملکت لازم الاجرا است کشاورز مملکت هم مثل برادر کارمند و کارگرش مثل نماینده مجلسش اینها همه باید بیمه بشوند و از بیمه استفاده کنند همه این مشکلات درمان و بازنشستگی و مستمری فقط در سایه بیمه‌های اجتماعی حل خواهد شد بویس والا ویزیت پزشک را بالا ببرند پائین بیاورند فرقی نمیکند. کار کار بزرگی است کار در سطح مملکت است این کارها را بنده اعتقاد این است که هر اندازه کارشناسان بنشینند مطالعه بکنند باز هم احتیاج بمطالعه زیاده‌تر دارد نه اینکه بیاییم پشت تریبون بگوئیم درمان مجانی - بیمه مجانی و فرهنگ و مسکن مجانی و امثالهم البته اینها بنظر من اسمش شعار است آن چیزیکه ما می‌گوئیم شعار همین است خوب چهار میلیون و نیم نفر آدم در طبقه کارگر بیمه هستند و مسائل درمانی می‌خواهند این سازمان ۱۳۴ شعبه و نمایندگی در سراسر ایران دارد تعداد دهشتاد هزار خانوار را بیمه کرده و یک سوم کارگران زیر چتر بیمه هستند ۱۷ بیمارستان اختصاصی ۸۲ بیمارستان قراردادی که دارد حدود هفتاد و یک هزار و چهارصد نفر را در سال جاری تاکنون بستری و تحت درمان قرار داده این سازمان دارای ۱۸۳ درمانگاه اختصاصی ۱۸۰ بست پزشکی قراردادی دارد و نیز دارای ۳۴ مرکز بهداشت و تنظیم خانواده میباشد سازمان دارای ۴۹۷۶ تخت فقط در ۱۷ بیمارستان اختصاصی است بعلاوه تخت‌هاییکه در بیمارستانهای قراردادی دارد اسامی درمانگاه‌هایشان در تهران و شهرستانها هست وقتی آن همکار عزیز ما که بوضع کارگران آشنائی ندارد در این باره بحث می‌کند نمایندگان کارگران (قدردان - در کمیسیون موقعیکه لایحه بیمه‌های اجتماعی مطرح بود یک مرتبه هم نیامدند شرکت بکنند) آنهایکه اینجا هستند حق دارند اعتراض بکنند و بگویند که شما بکار بیمه‌های اجتماعی وارد نیستید راست هم می‌گویند و اقلاً اینها وارد هستند (احسن صحیح است).

آخر طبقه کارگر نماینده خودش را انتخاب کرده و به مجلس شورای ملی فرستاده و این نماینده کارگر که

من می‌بینم شب و روز برای کارگران تلاش میکند حق دارد اعتراض کند و ما هم باید تقویشن بکنیم (عباس میرزائی - احسن بانصاف) یکی از کارهایی که در دوران این دولت خدمتگزار انجام شده و در اجرای نیات شاهنشاه است و اگذاری کار مردم به مردم است مردم شهرستانها و استانها و روستاها سالها بود که آرزو داشتند بانیان مشروطیت ما در قانون اساسی این مطلب را پیش‌بینی کردند مادام که یک سیستم حزبی در این مملکت بوجود نیامده بود این کار مقدور و میسر نبود، بنده با صراحت عرض کنم در زمان دکتر اقبال که بنده بشاگردی ایشان همیشه افتخار میکنم (یکی از نمایندگان - اقبال از رجال خدمتگزار کشور است) دولت در اجرای نیات شاهنشاه دست باینکار زد و اقدام کرد و چند انجمن شهر تشکیل شد ولی بعلت اینکه یک سیستم حزبی منظم و کار آزموده مثل حزب ایران نوین وجود نداشت این کار با وضعی که لازم بود پیش نرفت چرا؟ برای اینکه انتخابات انجمنهای شهر انجام شد متأسفانه گروههایی که منافعی داشتند و در این انجمنها شدند و چون مثل امروز که حزب بانظارت دقیق سعی میکند، نمی‌گویم صد درصد ولی تا آنجا که ممکن است شاهدیم و می‌بینم که در تشکیل انجمن ها شهر و شهرستان جناب آقای دکتر کلانی دبیر کل حزب و همکارانشان تلاش دارند که افراد موجه و بی‌نظر باین انجمن‌ها راه یابند که کارها خوب انجام بشود البته افرادی رفتند و لغزش پیدا کردند حزب و وزارت کشور مقدم شدند بهم بزند و نتیجه این شد که این افراد در اجتماع راه نداشته باشند و کنار بروند همین ترتیب امروز در سراسر مملکت، انجمن شهر و استان هست، مردم شهرستانها احساس احترام میکنند زیرا می‌بینند در مقدرات خودشان شرکت دارند و ما همه قبول میکنیم که مجلس انقلاب در این کار سهمی دارد ما قانون برنامه را گذرانیم ماده‌ای گذاشتیم که با نظر نمایندگان انجمن شهرستان و استان برنامه‌های محلی تنظیم گردد. ممکن است ایراد بفرمائید اینکار صد درصد نشده قبول داریم بتدریج درست می‌شود و زمان می‌خواهد امروز تمام این واحدهای اجتماعی در مملکت مابا گرفته‌اند

این سازمان‌ها در همه جای مملکت دیده میشوند در روستاها دیده میشود هم چنین اشاره شد خانه‌های انصاف و شوراهای داورى که از اصول انقلاب است چقدر خوب کار میکنند شوراهای منطقه‌ای آموزش و پرورش و انجمنهای بهداری و سایر سازمانهای اجتماعی اینها نیروی مردم هستند بجز در آمده و در سازندگی این مملکت نقش خود را ایفا میکنند ما تشویق میکنیم فرق نمیکند همه این نیروها را باید مجهز کنیم برای اینکه ایران امروز احتیاج به همکاری و همبستگی تمام طبقات مملکت دارد (آفرین) در این نشریه دیدم در سال ۵۳ حدود ۱۳ میلیارد بطرحهای عمرانی از طریق استان کمک خواهند شد. اینها مسائلی است که دولت با کمال علاقمندی و با حوصله انجام داده از جمله باید از مردم بخواهیم که بیش از پیش همکاری کنند تا توفیق بیشتر نصیب ما بشود و هر چه بیشتر در کارهای اجتماعی توفیق بیشتر حاصل شود و ما باید پاپای متری ترین ممالک دنیا پیش برویم و این اعتبارات هم افزایش یابد (دکتر قهرمان در کمیسیون بودجه تا ۱۸ میلیارد افزایش پیدا کرده).

**دکتر الموتی** - جای خوشوقتی است که در کمیسیون به ۱۸ میلیارد افزایش پیدا کرده است متشکریم که تذکر فرمودید ۱۸ میلیارد جالب است. راجع به خانه‌سازی در اینجا صحبت شد، آقای کورس آموزگار هم اینجا هستند من آمار و ارقام میدهم البته مسأله خانه‌سازی باینصورت نیست که بشود بنده بیایم بگویم خانه‌ها ساخته بشود یکمرتبه همه خانه‌ها ساخته شود، زمین میخواهد مصالح ساختمانی میخواهد - کارگر میخواهد، امروز خیلی از ممالک بزرگ دنیا با هزاران امکان باز گرفتار کمبود مسکن هستند. اینجا در آمار دیدم دولت برنامه‌هایی دارد یک برتامه‌ای دارند اجرا میکنند از زمان تأسیس وزارت آبادانی و مسکن از سال ۴۳ تا شهریور ۵۲ وزارت آبادانی و مسکن ۲۷۲۷ پروژه عمران شهری بمبلغ ۲۹ میلیارد تمام کرده است. و هم اکنون ۶۰۳ پروژه عمران شهری بمبلغ ۱۴ میلیارد در دست اجرا دارد. این وزارت خانه در اجرای اصول منشور انقلاب برای نوسازی مملکت بوجود آمد وزارتخانه جدیدی بود و در این مدت کوتاه خیلی کار کرده و در حقیقت توفیق هم داشته است، در این مدت ۱۳۳۷۴ خانه و آپارتمان به مبلغ ۵/۸ میلیارد پایان

رسانیده و ۱۱۵۰۸ واحد مسکونی بمبلغ ۴ میلیارد در دست ساختمان دارد بیست و یک هزار خانه ساخته یک ۱۱۵۰۰ خانه هم دارد تمام میکند از سال ۴۷ تا سال ۵۰ بوسیله وزارت آبادانی و مسکن ۶۸۹۳ پروژه عمران روستائی بمبلغ ۲/۸ میلیارد انجام شده است.

یکی از کارهایی که من معتقدم در دوره انقلاب در این مملکت شده توجه به عمران روستائی است. همه ما معتقد هستیم که روستاهای ما قبل از انقلاب بعلت وجود فنودالیزم در این مملکت وضع بسیار بدی داشته انقلاب اجتماعی ایران روستاهای مملکت را دگرگون کرد فنودالها و خانخانی را از روستاها بیرون راند. و فرزندان روستائی ما در این روستاها رستخیز کردند و بدنیا ندادی شاهنشاه خود در راه سازندگی مملکت شرکت داشتند (صحیح است) اعتباراتی که برای عمران روستائی اختصاص دادند در بودجه هست و همکار محترم آقای دکتر متین بیان فرمودند بعقیده من هر اندازه بیشتر روستاهای مملکت کمک شود و اقلاً استحقاق دارد و باید هم بشود (احسن - صحیح است)

اینجا گاهی صحبت از صنایع میشود. راجع بگران بودن و ارزان بودن محصول در اینجا آمارهایی هست که بدون است مقایسه کنید و پهلوی هم بگذارید. جناب آقای کورس جناب عالی که بازرگان خوشنام و شریفی هستید می‌بینید آمار اساسی بخش صنایع کشور است. ارزش تولیدات صنعتی در سال ۴۳ نود و هفت میلیارد بوده و سال ۵۲ ششصد میلیارد شده رشد سالانه ۱۹/۹ یعنی ۶ برابر شده ارزش افزوده در بخش صنایع سال ۴۲، چهل و دوم میلیارد شده صد و نود و شش میلیارد شانزده درصد رشد سالانه داشته یعنی چهار برابر تعداد کارخانجات بزرگ یاد می‌آید سابقاً بهر شهری که میرفتیم تقاضای مردم تأسیس کارخانه بود آقای مصطفوی نائینی مثلاً از ما می‌خواستند در نائین کارخانه تأسیس شود در این آمار وقتی می‌بینم تعداد کارخانجات بزرگ در سال ۴۲ سه هزار و پانصد بوده الان پنجاه و نه هفتصد یعنی در حدود دو برابر شده تعداد کارکنان کارخانجات بزرگ در سال ۴۲ چهارده هزار و ششصد نفر بوده در سال ۵۱ سی و سه هزار و ششصد نفر یعنی ۲/۵ برابر شده این یکی از کارهایی است که لازم است و باید توجه بشود و شاید



یکی از مهمترین انگیزه دولت در حمایت از صنایع مملکت است، علاوه بر پیشرفت صنعت ایجاد اشتغال و کار برای مردم است. نسل ایرانی امروز بیدار است. نسل ایرانی بدانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و هنرستانها، پلی تکنیک‌ها می‌رود و این نسل از دانشکده‌ها برمی‌گردد و کار می‌خواهد یک فرد ایرانی که می‌رود رشته پزشکی می‌خواند بقول دوستان دانشگاهی ما ۵۰۰ هزار تومان خرجش میشود این از محل بودجه مملکت است و باید مملکت از آن استفاده بکند و در مقابل این نسل باید بمملکت خدمت بکند. آمارهائی هست که برای ایجاد یک شغل در مملکت یک مقداری سرمایه‌گذاری احتیاج دارد الان رقمش یادم نیست شاید ۲۰ هزار دلار باشد باید در یک مملکت یک چنین رقمی سرمایه‌گذاری بشود تا یک کار برای یک فرد پیدا شود در جامعه انقلابی ایران که اینهمه پیشرفت و ترقی هست هیچ ایرانی نباید بیکار باشد باید دولت وسائلی که در اختیار دارد با سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش صنعت و کشاورزی و بخش‌های دیگر برای همه انسانها کار تهیه کند و آنچه هم لازم است با تقویت بخش خصوصی کار مناسب برای افراد ایرانی تهیه کند، البته این احتیاج و ضرورت اجتماع نباید موجب بشود که کالاهای نامناسب در بازار عرضه شود این حرف حسابی است اینها را باید با دید علمی بررسی کرد و برای مملکت نتیجه گرفت، تعداد کارکنان بخش خصوصی اضافه شده، ارزش واردات سال ۴۲ سی و نه میلیارد بوده که ۲۳۶ میلیارد شده یعنی رشد سالیانه ۱۹ درصد و در حدود ۶ برابر شد و اما این راهم عرض کنم شاید وقتی صحبت می‌کنیم در کلاسهای اقتصاد هم شنیدیم در یک مملکت واردات شاید زیاد خوشایند نباشد که یک مملکت ارز بدهد و کالای وارداتی بخرد چنانچه در روزنامه‌ها هم نوشتند که ارز مملکت را میدهند پودر و ماتیک می‌خرند ولی اینها قسمت اعظم کالاهای سرمایه‌ای برای صنایع مملکت است مواد خام برای صنایع است بازده دارد، کار تولیدی است، هر اندازه که توسعه پیدا کند مانع تورم است در مملکت ما صحبت از تورم است البته در همه جای دنیا هست در مملکت ما بعلمت رهبری شاهنشاهی بزرگ عواید نفت زیاد شده همه میدانند که قیمت‌ها تابع قانون عرضه و تقاضا است اگر

پول زیاد عرضه شود و کالا کم باشد چون تابع قانون عرضه و تقاضا است قیمت‌ها بالا می‌رود پس باید پول را بصورتی مصرف کرد که کار تولیدی باشد و بازده داشته باشد و یک تناسب بین آن کالاهای تولیدی و پول در جریان باشد؛ راههای مختلفی هست مالیات و چیزهای دیگر بنابراین برای اینکه در جامعه‌ای تورم ایجاد نشود و پولش جذب بشود باید کار تولیدی زیاد بشود اختصاص مقداری از درآمد ارزی مملکت ب واردات برای کالاهای سرمایه‌ای است که این سرمایه‌ها برگردد بمملکت و این صنایع توسعه پیدا کنند هم نیروی کار مولد را جذب کند و هم مانع تورم بشود (دکتر دادفر - یک مقدار صادر می‌شود صدمیلیون دلار صادرات ماست) خوشبختانه آقای دکتر دادفر این مطلب را تذکر دادند متشکرم این که واردات بود ارزش صادرات ۹۱۶ میلیارد ریال در سال ۴۲ بوده که در سال ۵۲ - ۴۸ میلیارد شده یعنی ۴ برابر شده و اینجاست که جناب رامبد جمله‌ای فرمودند که فکر می‌کنم که من بد متوجه شدم، فرمودند که مانفت را از اقتصادمان جدا کنیم من و همه اعتقاد داریم که یک مملکتی که می‌تواند ۱۴ میلیارد دلار از نفت درآمد داشته باشد نمیتواند صحبت از اقتصاد بدون نفت بکند شما فرمودید ولی روزگاری در این مملکت عده‌ای دکانی باز کردند بنام اقتصاد بدون نفت یعنی منابع نفتی ما تعطیل شود و منافع آن بجیب کسان دیگر برود و در بانکهای خارجی بلوکه بشود (ایلیخانی - آنها میخواستند به جیب اربابانشان بروند) ملت ایران عواید سرشاری با رقم ۱۵ میلیارد دلار برهبری شاهنشاه خود دارد که نباید زیر خاک بماند، درود بشاهنشاهی که اقدام فرمودند و ما امروز بچنان مرحله‌ای رسیده‌ایم که بیلان درخشانی از توسعه صنعت نفت را می‌بینیم (صحیح است - احسن) البته لازم است ما الان روزی ۶ میلیون بشکه نفت استخراج میکنیم و برنامه این است که این ۶ میلیون به ۸ میلیون بشکه برسد و در آنجا متوقف بشود زیرا این درآمد برای احتیاجات مملکت ما و توسعه برنامه عمرانی ما لازم است ولی آن روز که مقداری از صنایع نوپای ما بمنفعت رسید منابع درآمد جدید ما ببودجه‌ها و بکارهای عمرانی ما کمک می‌کند و همانطور که شاهنشاه اشاره فرمودند اگر نفت ایران

بسرعت بهره برداری شود ۳۰ سال دوام دارد و اگر با برنامه بهتری باشد ۳۰۰ سال دوام خواهد داشت تا آن برنامه پیاده بشود، بنابراین آن تراقتصاد بدون نفت از نظر هر ایرانی مردود است (صحیح است) بنابراین نمیشود یک مملکتی که چنین درآمدی دارد البته باید برای سایر درآمدهایش تلاش بکند همانطور که دکتر دادفر فرمودند ما الان صادر کننده هستیم اتومبیل - یخچال - تلویزیون - چه و چه - بعضی از ایرانی‌ها را می‌بینم که از کشور مسافرت می‌کنند و بجای دیگر می‌روند و بعضی از محصولات صنعتی را می‌خرند و می‌آیند اینجا و می‌بینند مارک ایرانی دارد برای اینکه مقداری از کالاهای صنعتی ما امروز بیزارهای خارج می‌رود ما این استعداد را داریم و اینکار را باید بکنیم مصنوعات ما باید بیزارهای دنیا راه پیدا کند البته رقابت با همه کشورهای صنعتی باید کرد دیدم در این آمار که اضافه سرمایه‌گذاری سالیانه در صنایع در سال ۴۲، ۵ میلیارد بوده در سال ۵۲ ۷۴ میلیارد اضافه سرمایه‌شده یعنی رشد سالانه ۳۰ درصد و عبارت دیگر ۱۴ برابر شده گاهی می‌بینیم صحبت از فرار سرمایه می‌شود امروز ما بیزارهای پولی دنیا آشنا هستیم و بازارها را می‌شناسیم (کورس - پولها دارد می‌آید) بلی همینطور بقول آقای کورس پولها دارد برمی‌گردد وقتی کشور ایران یک کشور امن و آرام و باثباتی است و کشوری است که مقرانش و قوانینش ثابت است برای سرمایه‌گذاری نه تنها سرمایه‌هایی که رفته برمی‌گردد بلکه مواجه با سیل سرمایه‌گذاری خارجی است و خوشوقت هستیم که می‌بینیم امروز مملکت ما چنان مملکتی است که بقول آقای حی برای سرمایه - گذاری در آن صف می‌کشند این نتیجه ثبات بی‌ظنری است که همه سرمایه‌گذاران خارجی را جلب کرده و طبیعی است که هر ایرانی که در گذشته سرمایه‌اش را برده مسلماً برمی‌گردد اینجا که بهترین جاست برای سرمایه‌گذاری، دوستی داشتم از خارج بر میگشت مأمورینی داشت در دستگاههای دولتی تلاش می‌کرد که بمأموریت بروند بسرعت رفت و برگشت گفت نمی‌شود زندگی کرد شبها در هتل شرفاز را خاموش می‌کنند روزها وسیله نقلیه نیست، واقعا گذشت آن روزیکه مردم ایران از

مغرب زمین خاطرات دیگری داشتند ما الان در کشوری زندگی می‌کنیم که از هر جهت وسیله زندگی هست و ایرانی باین قومیت و ملیت افتخار می‌کند (صحیح است) اینجا صحبت از سیمان شد صحبت از قند و شکر و صنایع غذایی شد، بلی سیمان در بازار سیاه هست قابل انکار نیست عده‌ای سیمان را می‌خرند و می‌فروشند دولت هم نمی‌تواند بهر کس که یک کیسه سیمان داد یک مأمور هم دنبالش بگردد که نفروشد با پروانه می‌رود اجازه سیمان را می‌گیرد بعد می‌بیند بازارش شیرین است می‌فروشد در تولید سیمان غفلت نشده در سال ۴۲، ۷۸۷ هزار تن تولید شده در سال ۵۲ بمیزان ۴۲۸۷۰۰۰ تن تولید شده و الان بایک کنسرسیوم اروپائی قرارداد بسته‌اند، برای تأسیس چند کارخانه سیمان که تولید سیمان را به ۱۵ و ۱۴ میلیون تن برسانند، کارخانه سیمان کارخانه‌ای نیست که بشود همینطور درست کرد یک کارخانه ۲۰۰ میلیون تومان قیمت دارد سه سال هم طول میکشد تا مرحله بهره‌برداری برسد و سیمان هم در بازار دنیا نیست بعضی‌ها می‌گویند دولت سیمان بخرد پول هم بحمدالله دارد، دستگاههای دولت مادر بازارهای دنیا در تلاش هستند که سیمان تهیه بکنند اگر این دولت خدمتگزار این تلاش و همت را نمیکرد و رقم تولید سیمان را از ۷۸۷ هزار تن در سال ۴۲ به ۴۲۸۷۰۰۰ تن در سال ۵۲ نمیرساند میدانید چه مشکلی این مملکت داشت ما خوشوقتیم که درآمد مردم بالا رفته فعالیت زیاد شده خانه سازی مصالح ساختمانی می‌خواهد می‌گویند چرا شهرداری دادن پروانه را محدود کرده وقتی سیمان نیست چه بکند پروانه می‌گیرند خانه را شروع می‌کنند ولی سیمان نیست و می‌مانند، اینطور بهتر است که مردم آلوده نشوند، و اما قند و شکر ما در سال ۴۲ و ۱۷۰ هزار تن تولید داشتیم و در سال ۵۱؛ هفتصد هزار تن البته مسأله قند و شکر از سیمان مشکل‌تر است سیمان مواد اولیه‌اش آهک است و کوه است ولی قند و شکر مواد اولیه‌اش چغندر است و نیشکر با وجود اینکه تولید از ۵۱ هزار تن به ۷۰۰ هزار تن رسیده ولی باز روز بروز مصرف زیاد می‌شود امروز زارع ایرانی آن زارع ده سال قبل نیست آن پولی را که فودالها قبلا می‌خوردند امروز خود زارع صرف زندگی می‌کند

از این ۵۲ هزار حاجی تعداد زیادی از کشاورزان هستند و ما افتخار می‌کنیم که زارع ایرانی هم حاجی شده است سابقاً اگر بکسی می‌گفتند پسر حاجی خیلی مهم بود ولی امروز زارع خودش حاجی است و این واقعاً برای ما غرور انگیز است که ما در چنین شرایطی زندگی می‌کنیم. راجع به گرانی و اطاق اصناف صحبت شد بعضی کارها کار مشکلی است مسأله مبارزه با گرانی و رفاهی هم از آن کارهای مشکل است يك مقدار از گرانی ناشی از تورم جهانی است شاهنشاه اشاره فرمودند که بعضی کالاها در بازار دنیا تا ۳۰۰ درصد گران شده خوب، يك ایرانی که می‌رود این کالا را از خارج می‌آورد از جیبش ضرر نمیدهد و وقتی بایرانی می‌آورد يك سودی هم می‌خواهد ببرد و ممکن است در سود هم بی‌انصافی بکنند ولی نمیشود متوقع بود که جنسی را ۳۰۰ درصد گران بخرند و بقیه سال قبل بفروشند، شاهنشاه در نطق افتتاحیه شان در این مورد چاره‌اندیشی‌هایی فرمودند که یکی بعد از دیگری در اجرای این کار اقدام شد. کمیته ملی حمایت از مصرف کننده تشکیل شد که خود آقایان صاحب‌طرحی در این مورد بودند در این کمیته از حزب مردم هم هستند که در رأس آن تیمسار صفاری است که از آدم‌های بسیار بسیار شریف و بی‌نظر است (صحیح است) اینها برای کنترل نرخ‌ها تلاش می‌کنند و از گروه‌های مختلف استمداد کرده‌اند. از خانم‌ها و دانشجویان و طبقات دیگر (یکی از نمایندگان اعتباری هم برای آن در این بودجه پیش‌بینی شده است) بله و بسیار هم لازم بود اطاق اصناف يك سازمان جدیدی است اصناف هم می‌بایستی متمرکز میشدند و اگر هم نمیشدند نمی‌توانستند از يك نظامی تبعیت کنند امروز که متمرکز شدند و این قانون هم گذشته است، بخوبی انجام وظیفه می‌کنند و آنچه من می‌بینم این عده بشدت با گرانی و رفاهی دارند مبارزه می‌کنند و این کار مشکلی است من امروز آمارشان را دیدم که تا امروز ۳۰۰ مغازه گرانی‌فروشان را بستند و این راهی هست که تعقیب میشود شاهنشاه فرمودند که اگر این کار نشد از نیروی انتظامی استمداد نخواهد شد این راهم دولت لایحه‌اش را به مجلس سنا داده و بنده بعنوان يك فرد که عضو دفتر سیاسی حزب هستم شاهد هستم که شخص نخست‌وزیر چقدر نسبت بگرانی و رفاهی

و همین جا با ایشان آشنا شدم یکی از مردان اصولی و لایق و مدیر می‌شناسم (نمایندگان - صحیح است) و یکی از دلایل پیشرفت حزب ماطی چند سال اخیر که بنده ناظرش هستم مدیریت ایشان است، مایک دفتر سیاسی در حزب داریم که مسائل حزبی و مملکتی در آنجا مطرح می‌شود آقای دکتر یزدان‌پناه و دکتر سعید هم هستند آقای زهتاب فرد در مورد انتخابات اخیر از آقای دکتر مجیر مولوی تعریف کردند من نمیدانستم آدم باین خوبی است وقتی می‌خواستیم راجع با انتخابات تصمیم بگیریم جناب دبیر کل گزارش این امر را آورد بدفتر سیاسی که ۱۰-۱۵ نفر هستند که اینها می‌توانند در گرگان و تبریز انتخاب بشوند ولی قرار شد بررسی بیشتری بشود در آن جلسه تصمیم گرفتیم که افرادی که از این مناطق انتخاب میشوند باید اهل آن محل و مورد احترام مردم آنجا باشند و سابق خوبی داشته باشند و مردم آنها را دوست داشته باشند و از افراد خوب حزب هم باشند.

**زهتاب فرد** - کاندیدی شما مرد شریفی است.

**دکتر الموتی** - از اعضای دفتر سیاسی هم هیچکدام

اینها را نمی‌شناختند بنده هم آنها را نمی‌شناختم نه خانم گرگانی را می‌شناختم نه آقای دکتر مجیر مولوی را آقای هويدا هم گفت منم اینها را نمی‌شناسم برنامه این بود کاندیداهای شایسته حزب با نظارت کامل انتخاب و معرفی شوند تا وقتی پیروز شدند مردم خوشحال شوند. همین حرفی که آقای زهتاب فرد زد رفتند بررسی کردند اشخاص صمیمی و صادق حزب هم برای انتخاب کاندیداهای واجد شرایط بمحل رفتند و بین آنها دو نفر را برای تبریز در نظر گرفتند و چند نفر را در گرگان. کاندیداهای تبریز یکی آقای دکتر جهان‌شاهی بود یکی آقای دکتر مجیر مولوی يك هیأت رفتند نظارت کردند تمام مردم ارزنده شهرستانی که در حزب هستند دور هم نشستند و رأی دادند من پیش آقای دکتر کلّالی بودم گفتند رأی گرفتیم آقای دکتر مجیر مولوی ۲۳ رأی و آقای دکتر جهان‌شاهی ۲۰ رأی آوردند و آقای جهان‌شاهی بلافاصله تلفن کردند گفتند من در انتخابات پیروز نشدم ولی صد درصد بعنوان يك فرد با انضباط حزبی در اختیار شما هستم يك گروه هم به گرگان رفت سرانجام

خانم دکتر گرگانی انتخاب شد که جلال ایشان انتخاب شدند من بعنوان يك عضو حزب ایران نوین افتخار میکنم که می‌بینم آقای زهتاب فرد از حزب اقلیت که آدم شریفی هستند می‌آیند پشت تریبون و می‌گویند آقای مجیر مولوی مرد بسیار شریفی است یاد دیگران بمامیرسند و از خانم دکتر گرگانی تعریف می‌کنند البته مبارزه حزبی است من اینجا یادداشت کردم فرمایشات شاهنشاه را راجع به احزاب که بسردبیر روزنامه خودتان فرمودند بخوانم:

«باید تشکیلات حزبی صورت جدی‌تری پیدا کنند. کادرهای حزبی بایستی بصورت افراد مبارز و مؤمن در آیند، بصورتی که بخاطر مرامشان حاضر بفداکاری باشند.

باید بمردم کم‌کم فهماند که ورود در این نوع مبارزات سیاسی و حزبی یکنوع بیمه است برای آینده مملکت.

الان دستگاهی وجود دارد که مملکت را اداره میکند، مردم هم خیالشان راحت است که مملکت اداره میشود وعده‌ای فکر میکنند پس دیگر لزومی ندارد وارد احزاب شوند.

ممکن است این استدلال اکنون صحیح باشد ولی باید آمادگی داشته باشیم و این آمادگی را بتدریج پیدا کنیم برای روزی که رهبری اینطور بارز و محسوس نباشد.

اگر روزی رهبری اینطور بارز و محسوس نبود معلوم نیست، جای آن را یکنفر دیگر حتماً بتواند پر کند.

بلکه این جمعیت مملکت و این ۳۲ میلیون نفر مردم این مملکت هستند که بایستی آنرا پر کنند. پس بایستی وارد اینگونه تشکیلات و مبارزات بشوند تا این آمادگی را پیدا کنند.

جناب زهتاب فرد دوست عزیز جناب شیخ رضائی جناب رامبد ما وظیفه داریم مردم را به تحزب دعوت کنیم با آنها صحبت کنیم آنها را روشن کنیم اینها احزاب خدمتگزار مملکت هستند احزابی هستند که مورد عنایت رهبر بزرگ مملکت هستند که اینقدر افتخار ایجاد

کردند این مملکت اینهمه پیروزی اینهمه پیشرفت کرده شاهنشاه ما آینده نگر هستند برای صدسال دیگر مملکت هم فکرمی کنند ما وظیفه داریم که مردم را به حزب آشنا کنیم اگر افراد کمتری رأی می دهند ما مسئول هستیم آقای شیخ رضائی جمله ای گفتند که مردم را بزور حزب می برند ما مردم را بزور حزب نمی بریم (شیخ رضائی - حزب شما را نگفتم) اگر حزب مردم را گفتند من نمیدانم (شیخ رضائی - من اینطور نگفتم) یک رفیق دوران تحصیل خودم یکروز گفت میخواهم عضو حزب ایران نوین بشوم آدم باسواد می هست چند روز پیش آمد گفتم هنوز کار عضویت من تمام نشده من چه عیبی دارم گفت عیبی نداری حزب داوطلب زیاد دارد سازمان تحقیق دارد بررسی می کنند هر کسی را قبول نمی کنند ما مردم را باید روشن کنیم چنانچه آنروز که شاهنشاه بزرگ ما اراده فرمودند احزاب تشکیل بشوند خیلی های باین کار علاقه نداشتند فکرمی کردند زود گذر است ولی امروز می بینیم تنها کانون سپاهیان انقلاب عضو حزب ایران نوین ۱۵۰۰۰ عضو دارد همینطور سازمان جوانان - سازمان کارگران - سازمان کشاورزان - سازمان اصناف و غیره.

**شیخ بهائی** - ۲۰۰۰۰ نفر از اصناف عضو حزب

ایران نوین هستند.

**دکتر الموتی** - باین طرز چه اشکالی دارد که آقای عباس

میرزائی ۵۰۰۰۰ رأی بدهند رأی میدهند که عباس میرزائی عضو آن حزب است رأی حزبی میدهند که حیدر صائبی عضو آن حزب است.

**حیدر صائبی** - هر ۱۴ نفر ما کارگران

**معیری** - انجمن های محلی را هم بفرمائید.

**دکتر الموتی** - انجمن های محلی هم خیلی فعالیت

دارند برای روشن شدن شما میگویم اینها همان ۵۰۰ هزار نفری هستند که حزب آنها را آماده کرده و افتخار می کنم باین جناب ریاضی رأی دادند و مردم بسیار شریف و شایسته و ارزنده ای هستند بنا بر این یک حزب سیاسی و یک تشکیلات حزبی باید طبق امزیه شاهنشاه که بروزنامه خودمان فرمودند باید مردم را به حزب عادت بدهیم بگوئیم این احزاب مال مملکت هستند برای خدمت به

خوب است مطالعه می کنیم و اجده شرائط کم است آدم داوطلب شغل زیاد است ولی آدمی که بتواند با منشور انقلاب و بر اساس پیشرفتهای امروز مملکت کار بکند کم است بعلم اینکه این تشکیلات سیاسی مملکت هنوز نتوانسته است تمام نیروها را جذب کند نتوانسته اند از نیروی انسانی بنحو مطلوب استفاده کنند من و شما که مسئولیت عضویت احزاب سیاسی را داریم این مردم را جلب کنیم همین مجلس شورای ملی مگر نبود آقای رامبد هم بودند بنده هم یک مدتی بسمت روزنامه نگار و یک وقتی بعنوان معاون نخست وزیر و امروز نماینده مردم در اینجا هستم در همین مجلس لایحه می آمد در کمیسیونها می رفت و واقعاً چه مشکلاتی بود و لوایح بصورتهایی درمی آمد که آدم تعجب می کرد نمی خواهم بگویم همه آنهاست که در آن مجالس بودند همه سوء نیت داشتند نه حسن نیت هم داشتند ولی برای همه آنها امکان خدمت مثل ما وجود نداشت (خانم صفی نیا - هماهنگی بینشان نبود) بله همانطور که خانم صفی نیا فرمودند هماهنگی نبود عده ای منافعی داشتند فرق می کند با آنکه امروز لایحه بودجه می آید یک تبصره غیر بودجه ای دارد تبصره مالیاتی دارد آقای رامبد اعتراض می کند قبل از اینکه ایشان اعتراض کنند آقای دکتر دادفر در کمیسیون آنرا جدا می کند و ما هم موافقیم خودتان در مجلس شاهد بودید که چه پیشنهادهایی روی لایحه اصلاحات ارضی شد. چنان لایحه ای تحویل دولت دادند که تا ۲۰۰۰ سال دیگر اصلاحات ارضی عملی نمی شد و این شد که شاهنشاه انقلاب کردند و منشور انقلابی را اعلام فرمودند و امروز می بینیم که هم فراکسیون شما و هم ما از یک نظم و اصولی تبعیت می کند اینجا آقای زهتاب فرد گفتند من از طرف خودم صحبت می کنم و آقای دکتر موسوی گفتند از طرف فراکسیون صحبت می کنند خوشحال شدم برای اینکه نشان می دهد که در فراکسیون اقلیت هم همکاری و هماهنگی وجود دارد و روز بروز وضع محکمتر می شود باید اینطور باشد امروز وکیل دوره انقلاب وکیل عضو حزب، وکیلی که از اندیشه های شاهنشاه الهام می گیرد در تشکیلات اجتماعی و سیاسی عضو هست نمی تواند منفرد باشد منفرد وجود ندارد برای افرادی که تنها فکرمی کنند دوره این

عالیجنابها گذشته است وکیل امروز با آن وکیل فرق می کند که بنشیند خانه و مردم به دیدنشان بروند و از آنها پذیرائی کند و خیال می کرد که واقعاً مرجع سیاست است ما خودمان در اینجا شاهد بودیم که چه دست بندی هائی بود برای تصویب یک لایحه ای چه کارها که نمی کردند تا امروز ما واقعاً در حدود ۱۳۰۰ - ۱۴۰۰ لایحه را تصویب کردیم که قانون شده جناب آقای دکتر بزدان پناه که واقعاً یک مرد دانشمند و محقق هستند این مسائل را خوب بررسی می کنند بادم نمی آید که ما چیزی دوره انقلاب پیشنهاد کرده باشیم که جنبه خصوصی داشته باشد همه بر اساس منافع ملی کار می کنیم یک مورد هست که نمایندگان دائم تلاش دارند برای رفاه مردم و برای کارهای عمرانی و سعی دارند که برای حوزه انتخابیه شان کارهایی بکنند گاهی می آیند در این خصوص بمن اعتراض می کنند که مثلاً بل فلان حوزه انتخابیه خراب شده جناب آقای قوام صدیقی در این مورد فکری بکنید که وکیل حق دارد تلاش بکند و برای حوزه انتخابیه اش البته این کار وکیل دوره انقلاب است این قانونگذارش هست و آن طرز کارش و مسئولیتش در فراکسیون. اشاره فرمودند که آقای اولیاء شیرازی کارخانه ای خریده با ایشان صحبت کردم چون گفتند بیش از ۳۰۰ نفر سهام دارند (زهتاب فرد قصد خاصی نداشتیم) از افرادی که بنکدارند در امر پارچه هستند رفتند (شیخ بهائی - بمنظور حذف عوامل واسطه) این کارخانه را خریدند آن ۳۰۰ نفر و ایشان هم جزو صاحبان سهام هستند اشکالی ندارد یک وکیل مجلس هم میتواند جزو آن عده باشد بیلانی هم از وضع کارخانه دارند که قیمت را هم پائین آورده اند بعکس آنچه در اینجا گفته شد.

جدول فروش مدیران سابق

کدروی ساده ۳۸ ریال

چیت ۳۵ ریال

شانتون ۴۱/۵۰ ریال

کرکی ۵۵ ریال

مدیران جدید کاهش درصد قیمت

۳۲/۵۰ ریال ۱۷٪

۲۸/۶۰ ریال ۲۲/۵٪

۳۷/۲۰ ریال ۱۱/۵٪

۴۰ ریال ۳۷/۵٪

تمه بدهی کارخانه ۸۰ میلیون تومان بیاک ملی ایران میباشد که باید ظرف ده سال پرداخت بشود و قیمت ها را بدین ترتیب پائین آوردند که ارقام آن در بالا ذکر شد مسلماً وکیل دوره انقلاب دنبال کار شخصی نیست دنبال منافع فردی نیست اگر بک کسی صاحب سهم هست باین صورت جلوه ندیم که این وکیل آمده رفته يك کارخانه ۶۰ - ۸۰ میلیون تومانی خریده ما همه وکیل دوره انقلاب هستیم باید حیثیت مجلس را حفظ کنیم و مسأله تقوی را بیشتر رویش تکیه کنیم این مملکت خیلی پیش رفته و دارد به پیش می رود باید مبانی ایمان و تقوایمان را سعی کنیم بیشتر باشد و از همه کسانی که با ما همکار هستند و در پیشرفت مملکت همکاری می کنند می خواهم که روز بروز پایه های تقوا و ایمانشان زیادتر بشود (احسن) ما در معرض دید مردم ایران هستیم هر چه تقوایمان بیشتر بشود و خدمتگزاری و شایستگی مان بیشتر بشود مردم ایران بیشتر بما اعتقاد پیدا می کنند ما وظیفه بس سنگین برعهده داریم بنابراین باید تلاش کنیم تا کارهای زیادتری انجام گردد مطالب بیان شده از طرف اقلیت مربوط بکارهای کوچک بود مثل يك استخر گم شده جزو عجایب است در مملکت ما استخر گم شده آقای قوام صدزی این استخر آقای شیخ رضائی را هم پیدا کنید دو سال است که راجع بیک استخری صحبت می کنید - راجع به تلفن ایراد میگیریم که کم است دیر میدهند و چه وجه ایراد هم هست اما این خط ماکروویو این تلفن ها که شیراز را میگیریم اصفهان و ۳۳ شهرستان را میگیریم این يك مطلبی است بنظر ما خیلی پیش پا افتاده گاهی پسر من از اروپا نامه ای برای من میفرستد پای تلفن با هم صحبت می کردیم میگفت راست است که ۳۳ شهر با هم ارتباط تلفنی دارند و تلفن اتوماتیک است؟ گفتم بله حقیقت است بهر حال امروز برنامه هائی هست که همه باید مطلع باشند لازم است بگویم طی دهه اول انقلاب اقدامات وزارت پست و تلگراف و تلفن بقرار زیر بوده است:

۱- تأسیس خطوط ماکروویو با ظرفیت مخابراتی

معادل ۶۰۰ و ۹۶۰ و ۱۲۰۰ کانال تلفنی در حدود هشت هزار کیلومتر بیش از هشت هزار کیلومتر دیگر از خطوط جدید تحت ساختمان هست که تا سال آینده خاتمه یافته و آماده بهره برداری میشود.

۲- تأسیس شبکه تلفن خود کار بین شهری که تا پایان برنامه چهارم ۲۲ شهر کشور را در بر گرفته و تا امروز ۳۳ شهر ایران بشبکه سرتاسری متصل شده و این ۳۳ شهر بدون واسطه میتواند با تهران و بایکدیگر مستقیماً ارتباط تلفنی داشته باشند و قابل توجه این خواهد بود که تعداد شهرهای مجهز باین سرویس در پایان برنامه پنجم عمرانی کشور به ۹۴ خواهد رسید که در حقیقت میتوان گفت کلیه شهرهای مهم مملکت خواهند توانست دارای ارتباط تلفن خود کار بین شهری باشند.

۳- برای ارتباط با خارج از کشور ایستگاه زمینی اسدآباد همدان استفاده از ماهواره های مخابراتی از سال ۱۳۴۸ شروع بکار کرد که ایستگاه دوم در همان نقطه (اسدآباد) سال آینده شروع بکار خواهد کرد تا علاوه بر ارتباط با غرب جهان با کلیه کشورهای شرق جهان و خاور میانه و خلیج فارس ارتباط ماهواره ای دائر گردد.

۴- برای تأسیس شبکه تلکس قرارداد با مضاء رسید که تا سال آینده و قبل از بازبهای آسیائی در ایران يك شبکه کاملاً کمپیوتری که دارای ۶۰۰۰ مشترک فارسی و لاتین خواهد بود در داخل و با خارج از کشور شروع بکار خواهد نمود.

۵- بتعداد ۲۰۰ هزار تلفن خود کار شهرهای کشور تا پایان برنامه چهارم بیش از صد درصد افزوده شد و این تعداد بحدود يك میلیون و دوست هزار تلفن در آخر برنامه پنجم خواهد رسید (۷۵۰ هزار تلفن در طول برنامه پنجم اضافه میشود).

۶- شبکه انتقال برنامه های رادیو تلویزیون از طریق خطوط ماکروویو تأسیس شد که پوشش سطح کشور برای برنامه اول تلویزیون و برنامه دوم تا پایان برنامه عمرانی پنجم طبق طرح سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران انجام گیرد.

همین تلویزیونی که ایراد داریم که صندلی های

خالی رانشان میدهد به مراکز شهرها تلویزیون رفته و این واقعاً مهم است که سراسر مملکت زیر پوشش رادیو تلویزیون است (یکی از نمایندگان - در بعضی دهات هم تلویزیون وجود دارد) بله تاکنون در اغلب شهرهای مهم کشور با استفاده از شبکه ماکروویو برنامه های تلویزیون تهران همزمان پخش میشود.

۷- با اضافه ده ها هزار کیلومتر خطوط مخابراتی هوائی (کاربر) نصب و سیستم های کاربر تلفن و تلگرافی ۱۲ و ۳ کانالی خریداری و نصب گردید که به نقاط کم جمعیت و شهرهای کوچک ارتباط داده شود.

طی برنامه پنجم تعداد ۱۴۰ نقطه کوچک جدید که داری جمعیت ۵ هزار نفر و بیشتر باشند باین نقاط اضافه میشود. ملاحظه بفرمائید در این مملکت روزگاری شاهد بودیم آن تلفن های مغناطیسی بود ولی امروز در سطح

مملکت این ارتباط توسعه پیدا می کند باید از کارکنان وزارت پست و تلگراف از همه شان از تمام مهندسين و کارشناسان و همه کسانی که زحمت کشیدند و چنین ارتباطی را برقرار کردند سپاسگزاری کنیم (احسن).

رئیس - آقای دکتر الموتی اگر مطالبتان زیاد است فردا صبح ادامه بدهید.

دکتر الموتی - در حدود يك ساعت دیگر عرابضی دارم.

۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه  
رئیس - با اجازه خانها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا خواهد بود.

(جلسه در ساعت ۸ بعد از ظهر ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - عبداللہ ریاضی